



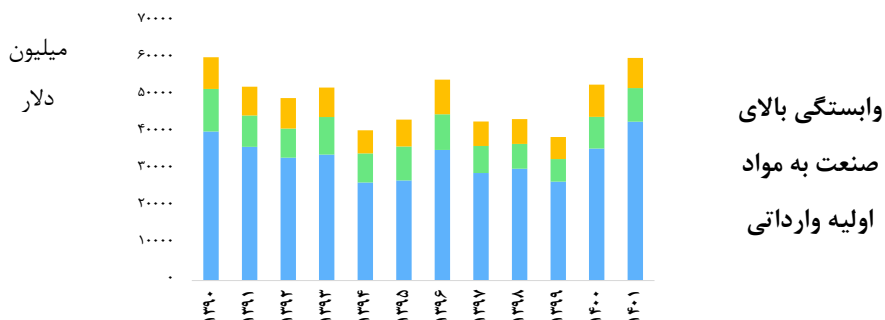
شناسه	قانون، مقررات و رویه اجرایی - دستور جلسه شماره ۱	تاریخ	۱۴۰۴/۰۵/۲۷
عنوان	بررسی راهکارهای افزایش میزان صادرات در سال ۱۴۰۴		
مرجع طرح	اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران		
شرح دستور	مقدمه: صادرات یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین مسیرهای رشد اقتصادی برای هر کشور محسوب می‌شود و نقشی حیاتی در توسعه و پیشرفت اقتصادی ایفا می‌کند در دنیایی که بازارهای داخلی به سرعت اشباع می‌شوند و رقابت برای جذب مشتریان داخلی افزایش می‌یابد، حضور در بازارهای جهانی می‌تواند مزایای متعددی به همراه داشته باشد: افزایش درآمد ارزی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، انتقال فناوری و دانش فنی، توسعه برند در سطح بین‌المللی و ... که سبب افزایش قدرت اقتصادی کشور در نظام بین‌المللی می‌گردد. با این حال، فرآیند صادرات همواره با چالش‌های گوناگون در کشور مواجه بوده است و نمی‌توان آن را صرفاً یک معامله ساده بین دو کشور یا شرکت دانست. سال‌هاست که آثار تحریم‌ها، تفوق سیاست‌گذاری ارزی بر تجاری در مسیر صادرات، قوانین و مقررات پیچیده، غیرشفاف و خلق‌الساعه، جهش‌های شدید ارزی و مواردی از این دست سیاست‌های تجاری مشکلات متعددی را بر سر راه توسعه صادرات ایجاد نموده و تحقق متوسط رشد سالانه ۲۳ درصدی صادرات غیرنفتی که در قانون برنامه هفتم پیشرفت پیش‌بینی شده است، با اما و اگر رو به رو است. با این مقدمه در گزارش پیش‌رو به وضعیت تجارت خارجی غیر نفتی کشور، بررسی سیاست‌های ارزی و قوانین و مقررات موجود و چالش‌های فعالان اقتصادی در حوزه صادرات و ارائه پیشنهادها پرداخته شده است: بخش اول: بررسی وضعیت تجاری خارجی کشور در سال ۱۴۰۴: بند اول: بررسی آمار سه ماهه اول تجارت خارجی ایران در سال ۱۴۰۴: تجارت خارجی ایران در سه ماهه نخست ۱۴۰۴ با کاهش در هر دو بخش صادرات و واردات همراه شد. براساس داده‌های گمرک در سه ماهه اول سال ۱۴۰۴، مجموع مبادلات تجاری غیرنفتی ایران ۴۳ میلیون و ۴۸۹ هزار تن و به ارزش ۲۴ میلیارد و ۶۸۴ میلیون دلار است و صادرات غیرنفتی ایران در سه ماهه نخست سال جاری به میزان ۳۴ میلیون و ۴۷۶ هزار تن و به ارزش ۱۱ میلیارد و ۶۵۵ میلیون دلار رسید. این میزان کالاهای صادراتی در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزن ۹,۳ درصد و از حیث ارزش ۱۴,۴ درصد کاهش داشته است. متوسط ارزش گمرکی هر تن کالای صادراتی در این مدت ۳۳۸ دلار می‌باشد که این میزان ۵,۶ درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل است. در این مدت ۱۱ میلیون و ۱۳۳ هزار تن کالای پتروشیمی به ارزش ۴ میلیارد و ۶۸۴ میلیون دلار صادر شده است که به لحاظ وزن ۲۸,۷ درصد و از حیث ارزش ۲۴,۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. از فروردین تا پایان خرداد ماه ۱۴۰۴، ایران ۶ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار کالا به کشورهای همسایه صادر کرده که نشان‌دهنده کاهش ۲۲ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل است.		



۷ کشور عمده مقصد صادرات غیرنفتی در سه ماهه نخست سال جاری	
چین	۳ میلیارد و ۵۱۱ میلیون دلار
عراق	یک میلیارد و ۹۰۵ میلیون دلار
امارات	یک میلیارد و ۵۹۲ میلیون دلار
ترکیه	۹۳۷ میلیون دلار
افغانستان	۵۱۰ میلیون دلار
عمان	۴۳۷ میلیون دلار
پاکستان	۴۲۰ میلیون دلار

اقدام عمده کالای صادرات غیر نفتی در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۴	
پروپان مایع شده	۸۷۴ میلیون دلار
بوتان مایع شده	۶۱۱ میلیون دلار
متانول	۵۷۶ میلیون دلار
قیر نفت	۵۷۴ میلیون دلار
گاز طبیعی	۴۵۶ میلیون دلار

لازم به ذکر است در سه ماهه نخست امسال، ۹ میلیون و ۱۳ هزار تن کالا به ارزش ۱۳ میلیارد و ۲۹ میلیون دلار وارد کشور شد که نسبت به دوره مشابه سال گذشته ۴،۳۵ درصد از نظر وزنی و ۱۱،۷۳ درصد از نظر ارزشی کاهش را تجربه کرده است. نکته مهم تر، کاهش ۷،۷ درصدی میانگین ارزش هر تن کالای وارداتی (۱۴۴۶ دلار) است؛ با توجه به آنکه بخش بزرگی از واردات کشور به مواد اولیه تولید و محصولات واسطه‌ای اختصاص دارد، روند نزولی واردات در خرداد ماه زنگ خطری است که حکایت از شرایط نامطلوب تولید و تجارت دارد و این داده حاکی از آن است که ساختار واردات نیز به سمت کالاهای با ارزش پایین تر تغییر کرده یا خرید کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با کیفیت، کاهش یافته است. این موضوع می‌تواند در میان مدت بر کیفیت تولید داخل و توان رقابتی صنایع اثر منفی بگذارد. اقدام عمده وارداتی نیز نشانگر تمرکز واردات بر نیازهای مصرفی و غذایی است. طلا به اشکال خام (۹۶۵ میلیون دلار)، ذرت دامی (۸۸۳ میلیون دلار)، برنج (۵۰۰ میلیون دلار)، روغن دانه آفتابگردان (۴۹۳ میلیون دلار) و گوشی تلفن همراه (۳۷۲ میلیون دلار) در صدر فهرست وارداتی قرار دارند؛ کالاهایی که بیشتر تامین کننده نیازهای مصرفی جامعه هستند و کمتر نقش تولیدی یا توسعه‌ای دارند و تداوم این روند به معنای کاهش ظرفیت تولید و رشد اقتصادی آینده است.





بند دوم: بررسی آمار چهار ماهه ۱۴۰۴: در چهار ماهه نخست ۱۴۰۴، صادرات بدون احتساب صادرات نفت، برق و خدمات فنی و مهندسی و صادرات از محل تجارت چمدانی حدود ۴۸.۸ میلیون تن و به ارزش ۱۶.۵ میلیارد دلار رسیده است که از لحاظ ارزشی به میزان ۵.۵ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته و از نظر وزنی با افزایش ۱.۴۶ درصدی روبه رو شده است. متوسط ارزش گمرکی هر تن کالای صادراتی از ۳۶۴ دلار در چهار ماهه نخست سال گذشته به ۳۳۹ دلار در چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۴ رسیده که نشانگر کاهش حدود ۶.۸۷ درصدی است. طبق آمار گمرک در چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۴، کسری تراز تجاری بدون احتساب صادرات نفت خام و کوره و خدمات فنی و مهندسی و برق به حدود ۱۰۷۸ میلیون دلار می باشد.

۷ کشور عمده مقصد صادرات غیرنفتی در چهار ماهه نخست سال جاری	
چین	۴,۶ میلیارد دلار
عراق	۲,۹ میلیارد دلار
امارات	۲,۱ میلیارد دلار
ترکیه	۱,۷ میلیارد دلار
افغانستان	۷۰۹ میلیون دلار
پاکستان	۶۰۳ میلیون دلار
عمان	۵۹۱ میلیون دلار

اقلام عمده کالای صادرات غیر نفتی در چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۴	
گاز طبیعی	۱.۳ میلیارد دلار
پروپان مایع شده	۱.۱ میلیارد دلار
متانول	۷۹۲ میلیون دلار

کشور	چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۴		چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۳		سهم		درصد تغییرات	
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	ارزش	وزن	ارزش
چین	۱۷,۱۶۳	۴,۵۶۱	۳۵,۱۶	۲۷,۵۶	۱۵,۸۲۹	۴,۷۹۱	۳۲,۹۰	۲۷,۳۵
عراق	۸,۷۲۷	۲,۹۴۴	۱۷,۸۸	۱۷,۷۹	۱۰,۴۲۶	۳,۶۲۷	۲۱,۶۷	۲۰,۷۱
امارات متحده عربی	۴,۶۳۰	۲,۱۲۳	۹,۴۹	۱۲,۸۳	۴,۵۸۸	۲,۳۶۹	۹,۵۴	۱۳,۵۳
ترکیه	۳,۳۲۳	۱,۶۶۷	۶,۸۱	۱۰,۰۸	۲,۸۴۷	۱,۶۷۵	۵,۹۲	۹,۵۶
افغانستان	۱,۸۳۰	۷۰۹	۳,۷۵	۴,۲۹	۱,۷۱۸	۷۰۵	۳,۵۷	۴,۰۳
پاکستان	۱,۱۲۴	۶۰۳	۲,۳۰	۳,۶۴	۱,۳۷۶	۶۸۶	۲,۸۶	۳,۹۲
عمان	۲,۲۸۶	۵۹۱	۴,۶۸	۳,۵۷	۲,۰۱۶	۵۲۱	۴,۱۹	۲,۹۷
جمع کشورهای فوق	۳۹,۰۸۲	۱۳,۱۹۹	۸۰۰,۰۷	۷۹,۷۶	۳۸,۸۰۰	۱۴,۳۷۴	۸۰,۶۵	۸۲,۰۷
جمع کل	۴۸,۸۱۱	۱۶,۵۴۹	۱۰۰	۱۰۰	۴۸,۱۱۱	۱۷,۵۱۴	۱۰۰	۱۰۰



لازم به ذکر است در چهار ماهه نخست امسال ارزش واردات به ۱۷.۶ میلیارد دلار رسیده که با کاهش ۱۴.۲۰ درصدی نسبت به مشابه سال قبل رو به رو است و از نظر وزنی نیز با حدود ۱۲.۲ میلیون تن با کاهش سه درصدی مواجه است. لیکن با توجه به آنکه بخش بزرگی از واردات کشور به مواد اولیه تولید و محصولات واسطه‌ای اختصاص دارد، روند نزولی واردات زنگ خطری است که حکایت از شرایط نامطلوب تولید و تجارت دارد و این داده حاکی از آن است که ساختار واردات نیز به سمت کالاهای با ارزش پایین‌تر تغییر کرده یا خرید کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با کیفیت، کاهش یافته است. این موضوع می‌تواند در میان‌مدت بر کیفیت تولید داخل و توان رقابتی صنایع اثر منفی بگذارد. اقلام عمده وارداتی نیز نشانگر تمرکز واردات بر نیازهای مصرفی و غذایی است. طلا به اشکال خام (۱۰۷ میلیون دلار)، ذرت دامی (۱۰.۶ میلیارد دلار)، برنج (۶۸۸ میلیون دلار) در صدر فهرست وارداتی قرار دارند؛ کالاهایی که بیشتر تامین‌کننده نیازهای مصرفی جامعه هستند و کمتر نقش تولیدی یا توسعه‌ای دارند.

فعالیت	چهار ماهه نخست ۱۴۰۴		چهار ماهه نخست ۱۴۰۳		درصد تغییرات نسبت به مدت مشابه سال گذشته	
	وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	ارزش
صادرات	۴۸۸۱۱	۱۶۵۴۹	۴۸۱۱۱	۱۷۵۱۴	۱.۴۶	-۵.۵۱
واردات	۱۲۲۰۹	۱۷۶۲۷	۱۲۶۱۶	۲۰۵۴۴	-۳.۲۳	-۱۴.۲۰
مجموع مبادلات تجاری	۶۱۰۲۰	۳۴۱۷۵	۶۰۷۲۶	۳۸۰۵۸	۰.۴۸	-۱۰.۲۰

به صورت خلاصه تحلیل وضعیت تجاری:

با اینکه صادرات ایران در چهار ماهه ۱۴۰۴ نسبت به سه ماهه نخست سال وضعیت بهتری را داشته است و ارزش کاهش صادرات از ۱۴,۴- به میزان ۵,۵- رسیده است لیکن در مجموع نتایج ذیل حاصل می‌شود که

- عمیق تر شدن کسری تراز تجاری به معنای فشار بر ذخایر ارزی است و کشور بیش از گذشته برای تامین کالاهای وارداتی خود متکی به درآمدهای نفتی یا سایر منابع ارزی غیر از صادرات غیر نفتی شده است و تداوم این روند می‌تواند فشار بر ذخایر ارزی را افزایش دهد و بر ارزش پول ملی تاثیر بگذارد.
- انقباض همزمان صادرات و واردات به معنای کاهش ظرفیت تولید و رشد اقتصادی آینده است.
- رابطه مبادله که نسبت قیمت هر تن کالاهایی صادراتی به قیمت هر تن کالای وارداتی را نشان می‌دهد و شاخصی برای قدرت چانه زنی در تجارت بین الملل و ترکیب ارزش افزوده صادرات و واردات است کاهش داشته است و به



معنای آن است ایران در ازای صادرات مقدار زیادی مواد خام یا کالای با ارزش افزوده پایین مجبور به واردات کالاهای با ارزش افزوده بالاتر و گران تر می باشد.

- محدود شدن شرکای تجاری صادراتی ممکن است ناشی از کاهش تقاضای بازار عراق و محدودیت های ترانزیتی و بانکی با امارات و تشدید تحریم های بین المللی و محدودیت تراکنش های بانکی باشد، احتمالاً در کاهش حجم صادرات مؤثر بوده اند. همچنین افت صادرات به ترکیه و افغانستان نیز نشان می دهد که بازارهای سنتی منطقه ای ایران نیاز به حمایت بیشتر دارند.

بخش دوم: بررسی سیاست های ارزی در کاهش صادرات ایران

• اعمال نظام چندنرخ ارز

نرخ ارز به عنوان یک متغیر کلیدی اقتصاد، نه تنها نقش تعیین کننده ای در شکل دهی به تجارت خارجی دارد، بلکه بر روند متغیرهای کلان اقتصادی همچون سرمایه گذاری، تورم، اشتغال و تولید ملی و محیط کسب و کار اثرگذار است، لذا نوسان نرخ ارز را می توان یکی از مهم ترین منابع شوک در اقتصاد داخلی به حساب آورد. کانال های متعارض اثرگذاری نرخ ارز بر اقتصاد، تحریک صنایع صادرات محور و صنایع جایگزین واردات، اثرگذاری بر قیمت نهاده ها و کالاهای واسطه ای و سرمایه ای وارداتی؛ ایجاد نااطمینانی در محیط کسب و کار می باشد. اینکه برآیند اثر نرخ ارز بر اقتصاد کشور مثبت باشد یا منفی، بستگی به ساختار تولید و اقتصاد کشور دارد. از آنجایی که به طور متوسط ۸۰ درصد از واردات کشور را مواد اولیه، کالاهای واسطه ای و سرمایه ای تشکیل می دهد. لذا ساختار تولید صنعتی کشور وابستگی بالایی به واردات دارد. براین اساس نوسات مکرر نرخ ارز موجب رشد قیمت عوامل تولید، افزایش قیمت تمام شده تولیدات و افزایش هزینه تولید بنگاه ها شده و بر تولید صنعتی کشور آثار منفی برجای گذاشته است.

از سوی دیگر نرخ ارز اصلی ترین پیوند میان بازار مالی و بازارهای برون مرزی برای خرید و فروش کالاها، به کارگیری خدمات و یا انباشت دارایی های مالی مختلف است. حرکات نرخ ارز به همراه انتظار از حرکات قیمت ها در آینده، می تواند تورم واقعی در آینده را متأثر کند. حرکات نرخ ارز از طریق تجارت خارجی بر بخش خارجی اقتصاد و حرکت دارایی های مالی بین کشوری تأثیر می گذارد و انتخاب رژیم ارزی (نحوه مدیریت پول ملی در برابر پول سایر کشورها و نحوه اداره بازار ارز توسط مسئولان یک کشور) از بحث های داغ در حوزه تأمین مالی و به طور کلی اقتصاد بین الملل و اقتصاد کلان است.

در طول سالیان گذشته همواره رژیم های ارزی مختلفی تعریف شده اند که از انعطاف پذیر کامل یا آزاد شروع و تا رژیم های محکم و سخت ادامه می یابد و در این دامنه مجموعه ای از رژیم های ارزی با درجه انعطاف پذیری متفاوت وجود دارد. بدیهی است با توجه به طیف رژیم های ارزی از انعطاف پذیر تا رژیم های محکم و سخت، اتفاق نظر یکسان در خصوص رژیم ارزی بهینه برای تمام کشورها وجود ندارد و در کشور ایران نیز مسئولان در طول سال های بعد از انقلاب نیز سیاست های مختلفی را برای ارز در نظر گرفته اند.

از سال ۱۳۹۷ و هم زمان با خروج آمریکا از برجام و ایجاد نوسانات ارزی گسترده، اقتصاد ایران عمدتاً شاهد نظام ارزی چند نرخی بوده است و شامل نرخ ارز ترجیحی کالاهای اساسی، نرخ ارز ترجیحی کالاهای تجاری (نرخ تجاری)



و نرخ ارز بازار آزاد می باشد. در سال ۱۴۰۰ و با تشکیل دولت، قیمت دلار رسمی ۴۲۰۰۰ ریال و قیمت دلار در بازار آزاد در محدوده ۲۵۰۰۰۰ ریال بود؛ اما به دلیل مشکلات ناشی از تحریم شدید اقتصادی و فاصله‌ای که بین دلار رسمی با دلار آزاد وجود داشت، دولت تصمیم به اصلاح قیمت دلار گرفت به طوری که قیمت دلار در بازار آزاد در ۲ سال اول از ۲۵۰۰۰۰ ریال به سقف‌های جدید ۵۰۰۰۰۰ ریال رسید و قیمت دلار رسمی نیز از ۴۲۰۰۰ ریال به نرخ نیمایی تغییر کرد. نرخ ارز ترجیحی کالاهای اساسی بیش از ۲ سال است که در رقم ۲۸۵۰۰۰ ریال تثبیت شده و نرخ ارز ترجیحی کالاهای تجاری در مرکز مبادله طلا و ارز بیش از ۵ ماه است که در محدوده ۶۷۰۰۰۰ تا ۶۹۰۰۰۰ ریال تثبیت شده است، در حالی که نرخ ارز بازار آزاد در این دوره نوسانات گسترده‌ای را داشته و در ابتدای فروردین ۱۴۰۴ و در سایه تحولات روابط خارجی و به سبب بروز جنگ تحمیلی فراتر از ۹۰۰۰۰۰ ریال را نیز تجربه نموده است. شکاف گسترده میان نرخ ارز تجاری در مرکز مبادله طلا و ارز با نرخ ارز بازار از زمان راه اندازی بازار ارز توافقی حاکی از آن است که سازوکار بازار مبتنی بر ثبت سفارش آزادانه عرضه و تقاضا و کشف نرخ ارز در مرکز مبادله ارزی به کناری نهاده شده و سازوکار نرخ گذاری دستوری در قالب جدید بازار توافقی در مرکز مبادله باز تولید شده است. در نتیجه اعمال نرخ‌های ترجیحی ارز پایین تر از نرخ بازار، می‌تواند به تضعیف صادرات و تقویت واردات و در نتیجه تضعیف کسری تراز تجاری منجر شوند و این سیاست‌ها می‌تواند وابستگی اقتصاد به واردات را افزایش دهند و توسعه صنایع صادراتی را مختل کند. اعمال نرخ ترجیحی ارز معمولاً صادرکنندگان را ملزم می‌کند تا ارز حاصل از صادرات را با نرخ پایین تر از بازار آزاد عرضه کند که این امر درآمد آن‌ها را کاهش داده و انگیزه برای صادرات را کم می‌کند.

• احیاء ایفای تعهدات ارزی

بانک مرکزی به عنوان نهاد پولی و ارزی و در نقش سیاستگذار برای کنترل نوسانات و بازگشت ثبات به بازار ارز تصمیم گرفت تا هشت اقدام تشکیل کمیته ارزی، راه‌اندازی مرکز مبادله ارز، ایجاد صندوق تثبیت ارز، اصلاح مقررات، کاهش مهلت بازگشت ارز صادراتی، تقویت ابزارهای نظارتی، اهتمام به بازگشت ارز صادرات و تغییر در دیپلماسی را انجام دهد. تشکیل کمیته ارزی و تهیه بودجه ارزی کشور براساس اولویت‌های اعلامی از سوی وزارتخانه‌های صمت، جهاد کشاورزی و بهداشت درمان و آموزش پزشکی یکی از اقدام‌های بانک مرکزی برای تثبیت بازار ارز است. لازم به ذکر است از سال ۱۳۹۷ و هم زمان با خروج آمریکا از برجام، احیای ایفای تعهدات ارزی از سوی صادرکنندگان و الزام به بازگشت ارز صادراتی به چرخه اقتصادی با روش‌های مختلف در دستور کار قرار گرفت به نحوی که بانک مرکزی با اتخاذ اختیارات گسترده از سران قوا و با ابلاغ مجموعه سیاست‌ها و مقررات ارزی و بعد از آن با اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و به موجب تبصره ۶ بند ح ماده ۲ مکرر این قانون در این حوزه اقدامات را انجام داده است. در راستای اجرای سیاست‌های ارزی، صادرکنندگان موظف شدند تا در صد خاصی از ارز حاصل از صادرات را با استفاده از یکی از روش‌های تعیین شده توسط دولت و در مهلت مقرر قانونی بدون توجه شرایط تحریمی کشور و دشواری در بازگشت ارز، به چرخه اقتصاد کشور بازگردانند، و پس از انجام یکی از روش‌های رفع تعهدات ارزی،



صادرکنندگان قادر خواهند بود تا از طریق سامانه مربوطه برای رفع تعهدات ارزی و بازپس‌گیری مالیات پرداخت شده اقدام کنند.

طبق تبصره ۶ بند ح ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، "کلیه صادرکنندگان کالا به خارج از کشور موظفند ارز مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها را به بانک مرکزی بفروشند و یا با تایید بانک مرکزی نسبت به فروش آن به سایر اشخاص اقدام یا جهت تامین ارز واردات کالای خود یا بازپرداخت بدهی تسهیلات ارزی استفاده نمایند. متخلف علاوه بر الزام به ایفای تعهد موضوع تخلف، به جریمه نقدی معادل یک پنجم موضوع تخلف و دو یا چند مورد از محرومیت‌های موضوع ماده (۶۹) این قانون محکوم می‌شود. در صورت عدم ایفای تعهد ظرف سه ماه از زمان ابلاغ حکم قطعی، معادل ارزش تعهد بر اساس بالاترین نرخ اعلامی بانک مرکزی در زمان صدور حکم، به جریمه نقدی مرتکب افزوده می‌شود. تخلف موضوع این تبصره صرفاً در مواردی که ارزش موضوع تخلف بیشتر از سه میلیون (۳/۰۰۰/۰۰۰) یورو یا معادل آن به سایر ارزها باشد، می‌تواند با تحقق شرایط مربوط، مشمول عناوین سازمان یافته و حرفه‌ای موضوع این قانون قرار گیرد. در صورتی که عدم رفع تعهد موضوع این تبصره و تبصره‌های (۵) و (۷) با تشخیص مرجع رسیدگی به علت قوه قاهره (حادثه خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل دفع) باشد، محکومیت موضوع این تبصره‌ها اعمال نمی‌شود.

آیین‌نامه اجرایی این تبصره شامل مواردی از قبیل مهلت رفع تعهد که بیش از یکسال نیست و شرایط تمدید آن تا حداکثر سه ماه، موارد مشمول معافیت تا سقف سی هزار (۳۰/۰۰۰) یورو یا معادل آن به سایر ارزها در سال و معافیت کالای موضوع ماده (۶۵) قانون امور گمرکی، میزان تعهد که کمتر از شصت درصد (۶۰٪) ارزش ارزی صادرات نیست، اولویت بندی و نحوه انتخاب یک یا ترکیبی از روشهای رفع تعهد و تعیین سامانه‌های اجرایی این تبصره، توسط بانک مرکزی با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه و ظرف یک ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیات وزیران می‌رسد. در هر صورت، برخورداری از کلیه معافیت‌های مالیاتی برای درآمدهای حاصل از صادرات و هرگونه جایزه و مشوق‌های صادراتی به تناسب میزان ایفای تعهد موضوع این تبصره است. اعمال محدودیت‌های موضوع این تبصره تا ابتدای سال بعد از زمانی که ارزش سالانه صادرات غیرنفتی طبق اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت، به بیش از یک میز هشت دهم (۱/۸) برابر ارزش سالانه واردات کشور برسد، قابل اجرا است."

طبق این قانون و مقررات مربوطه، روش‌های برگشت ارز به دو گروه تقسیم شده است؛ اول پتروشیمی‌ها، فلزات رنگی، فولادی و بخشی از معدنی‌ها که این افراد باید ۱۰۰ درصد ارز را به سامانه عرضه کنند. بخش دوم؛ افرادی که خارج از این گروه هستند و محصولات کشاورزی، صنعتی و بخشی از محصولات معدنی را شامل می‌شود که این گروه باید ۹۰ درصد ارز را رفع تعهد کنند.

شایان ذکر است مدت زمان برگشت ارز برای گروه اول، ۸۰ روز و برای سایر، ۴ ماه تا سقف یک سال در نظر گرفته شده است. طبق مصوبه کارگروه کارشناسی، در فرش دستباف تا یک سال و در صنایع دستی، ۶ ماه فرصت دارند، تعهدات ارزی خود را رفع کنند. همچنین به استناد ماده ۱۳ آیین‌نامه فوق‌الذکر، در اجرای این ماده، به استثنای



مالیات بر ارزش افزوده، برخورداری از کلیه معافیت‌های مالیاتی و هرگونه جایزه و مشوق‌های صادراتی متناسب با میزان ایفای تعهد ارزی صادراتی می باشد.

• شکل‌گیری مرکز مبادله طلا و ارز و محدودیت‌های ایجاد شده

یکی دیگر از اقدامات بانک مرکزی راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا و انتقال عملیات ارزی به این مرکز است. این مرکز با هدف ایجاد مرجعیت قیمت ارز، افزایش حجم معاملات رسمی و سهولت دسترسی متقاضیان بازار ارز و طلا شروع به کار کرد. بر اساس آنچه که در بخشنامه شماره ۲۰۵۳۶۸/۰۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۶ و اولین اطلاعیه مرکز مبادله طلا و ارز اعلام شده است، کلیه صادرکنندگان مشمول بند (۲) ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی تبصره (۶) بند (هـ) ماده (۲) مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز از تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۶ به منظور رفع تعهد صادراتی از طریق واگذاری ارز حاصل از صادرات به دیگران، ملزم هستند که ارزهای مذکور را از طریق بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران عرضه کنند. همچنین مقرر شد سایر صادرکنندگان مشمول بند (۱) ماده (۸) آیین‌نامه مذکور شامل شرکت‌های صادرکننده محصولات پتروشیمی، پالایشی، فولادی، فلزات اساسی رنگین و فرآورده‌های نفتی نیز از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۱ در چهارچوب آیین‌نامه مذکور و تصمیمات کارگروه برگشت ارز حاصل از صادرات، از طریق بانک‌های عامل نسبت به عرضه ارز در بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران اقدام نموده و رفع تعهد صادراتی نمایند. به علاوه اینکه حسب هماهنگی با وزارتخانه‌های مرتبط، واردکنندگانی که دارای تخصیص معتبر با محل تأمین ارز از طریق مرکز مبادله ارز و طلا هستند نیز از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۱ از طریق بانک‌های عامل نسبت به خرید ارز از بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران اقدام کنند؛ بنابراین در این بازار، صادرکنندگان ارز حاصل از فروش محصول خود را به مرکز مبادله می‌آورند و به واردکنندگان عرضه می‌کنند. ضمن آنکه رفع تعهد ارزی صادرات از طریق واگذاری ارز به غیر نیز ممنوع اعلام گردید.

مرکز مبادله طلا و ارز با هدف ساماندهی بازار ارز و شفافیت معاملات و کاهش التهابات ارزی و نهایتاً یکسان سازی نرخ ارز راه‌اندازی شد اما این موضوع دارای نقاط ضعف است از جمله آنکه مرکز مبادله توانایی در رقابت با بازار آزاد را ندارد زیرا بانک مرکزی بخشی از نیازهایی که در بازار وجود دارد را قبول ندارد و همین امر سبب می‌شود تا یک فاصله قابل توجهی میان نرخ مرکز مبادله با بازار آزاد شکل بگیرد و تقاضا به سمت بازار آزاد متمایل شود.

از جمله نقطه ضعف این مرکز آن است که عرضه محدودی از صادرکنندگان و بانک مرکزی در این بازار شکل می‌گیرد و لذا محدودیت ارزی در این بازار سبب می‌شود تا بازار عمق کافی نداشته باشد. همچنین قیمت‌ها در این بازار کاملاً آزاد نیست و به نوعی مدیریت دستوری وجود دارد و به بهانه‌های کنترل بازار ارز، فرایندهای تجاری در حوزه صادرات و بازرگانی مختل و با چالش مواجه شده است در صورتی که



سیاست های ارزی می بایستی ذیل سیاست های تجاری قرار گیرد و نباید مانع تجارت گردد بلکه سیاست های ارزی باید پشتیبان، حمایت کننده و تسهیل کننده سیاست های تجاری و بازرگانی باشد. همچنین از زمان شکل گیری مرکز مبادله طلا و ارز، امکان استفاده از روش واگذاری کوتاژ و ارز صادراتی به واردکنندگان برای م شمولین بند ۲ متوقف گردید در صورتی که این روش طبق آیین نامه اجرایی بند ۱۳ ماده ۱ آیین نامه اجرایی تبصره ۷ بند ح ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و احکام برنامه هفتم، به رسمیت شناخته شده است.

از جمله مشکلات و ایرادات پیش آمده به شرح ذیل است:

– اختلال در بازگشت ارز حاصل از صادرات:

اعمال نرخ ارز ترجیحی با ایجاد شکاف بین نرخ رسمی و نرخ بازار موجبات فرار سرمایه را فراهم می کند. در این میان روش های خلق الساعه و غیر قابل اجرا نه تنها مسیر بازگشت ارز صادراتی را با اختلال مواجه نموده است بلکه صادرات را نیز تضعیف نموده است و منابع ارزی حاصل از صادرات قابلیت بازگشت را تا حدی از دست داده است. صادرکنندگان برای جبران نرخ پایین ارز، تا حد امکان بازگشت ارز خود را جهت انتفاع از فرصت های نگهداری ارز به تاخیر می اندازند. در صورت فروش ارز صادراتی به نرخ دستوری نیز معاملات پشت سامانه های رسمی و رانت ایجاد می گردد.

در قانون برنامه هفتم توسعه پیش بینی شده است که به منظور جلوگیری از هرگونه بیش اظهاری یا کم اظهاری در واردات یا صادرات کالاها، بانک مرکزی مکلف است سیاست های ارزی و زیرساخت های تبادلات ارزی را به نحوی اصلاح نماید که زمینه و امکان بیش اظهاری در واردات و کم اظهاری در صادرات کالاها وجود نداشته باشد؛ در صورتی که سیاست های اعمالی از سوی بانک مرکزی سبب کم اظهاری در صادرات شده و مداخله دستوری ارز در سامانه های بانک مرکزی (مرکز مبادله طلا و ارز) و روش های سختگیرانه در بازگشت ارز حاصل از صادرات سبب بروز مشکلات برای فعالان اقتصادی شناسنامه دار و واحدهای تولیدی خوشنام و با سابقه شده است و آنان را با چالش های عدیده قضایی و تعلیق کارت های بازرگانی مواجه نموده است و این امر سهم عمده در بروز تخلفات و مفاسد ارزی دارد.

لازم به ذکر است در سال جاری نرخ ارز به علت تغییر در شرایط بین المللی با انتظارات افزایشی مواجه خواهد بود، همچنین افزایش هزینه های نظامی دولت منجر به افزایش تقاضا برای ارز خواهد شد. از طرف دیگر در صورت تداوم وضعیت جنگی، صادرات ایران نیز با مشکل مواجه شده و فروش نفت می تواند تحت تأثیر شرایط جنگی کاهش یابد. در چنین شرایطی، بازگشت ارز حاصل از صادرات غیرنفتی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می شود.

– عدم تمایل به صادرات:

طبق گزارش شامخ منتشر شده از سوی مرکز پژوهش های اتاق در خرداد ماه ۱۴۰۳، شاخص میزان صادرات کالا در خرداد ماه کمترین مقدار ۶۲ ماهه خود را از اردیبهشت ۱۳۹۹ به ثبت رسانده است که بی ثباتی سیاسی کشور و



موانع داخلی بر سر راه تولید بر فروش صادراتی کشور نیز تاثیر گذاشته است و طبق نظرات ارائه شده، در بخش فروش خارجی در شرایطی که بسیاری از شرکت ها، با کمبود نقدینگی و منابع مالی رو به رو هستند، مشکلات مربوط به رفع تعهد ارزی مسیر صادرات را برای بنگاه ها دشوارتر کرده است و فروش در بازار خارجی را محدود ساخته است. بنابراین لازم است تا مکانیزم بازار ارز به نحوی طراحی شود که بیشترین انگیزه برای بازگشت ارز وجود داشته و تقاضای وارداتی ناشی از رانت نرخ ارز بازار رسمی و غیررسمی نیز به حداقل برسد.

مثال

۱. بررسی صورت های مالی شرکت فولاد مبارکه نشان می دهد که درآمد عملیاتی این شرکت در سال ۱۴۰۳ معادل ۱۵٪ و بهای تمام شده درآمدهای عملیاتی به میزان ۱۷٪ افزایش داشته است که نشان دهنده افت نسبی عملکرد آن در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ است.

از منظر هزینه های عملیاتی، در سال ۱۴۰۳ بهای برق خریداری شده شرکت حدود ۳۹ درصد نسبت به سال ۱۴۰۲ افزایش داشته است، اما به واسطه کاهش بهای گاز خریداری شده به میزان ۲۱ درصد، شرکت هم از محل مصرف گاز و هم از محل برق تولید شده در نیروگاه خود با صرفه جویی ۲۱ درصدی در هزینه ها روبرو شده است، ضمن آن که بهای آب مصرفی نیز به میزان ۴ درصد کاهش داشته است. البته با وجود کاهش هزینه های بخش انرژی (خرید گاز طبیعی)، افزایش سایر هزینه ها نظیر هزینه های فروش، اداری و عمومی به میزان حدود ۳۰ درصد، عملاً موجب شده که بهای تمام شده درآمدهای عملیاتی شرکت فولاد مبارکه به میزان ۱۷ درصد افزایش یابد (این در حالی که درآمدهای عملیاتی شرکت با رشد ۱۵ درصدی روبرو شده است). مقایسه نرخ صادرات به فروش داخل شرکت فولاد مبارکه نشان می دهد که این شرکت هم در سال ۱۴۰۲ و هم در سال ۱۴۰۳، محصولات خود را ارزان تر از بازار داخل صادرات کرده است. برای نمونه نرخ صادرات به فروش داخل محصولات گرم در سال ۱۴۰۲ برابر با ۰,۸۸، و در سال ۱۴۰۳ برابر با ۰,۹۳ بوده است. یکی از دلایل این مهم را می توان نرخ ارز ترجیحی محصولات صادراتی این شرکت دانست. در حالی که فروش داخل این شرکت در بازار داخل به واسطه رقابت میان خریداران، با افزایش نسبت به قیمت ارز مرجع قیمت گذاری روبرو می شود، فروش صادراتی و تحویل ارز آن با نرخ ترجیحی موجب ارزانتر شدن صادرات این شرکت نسبت به فروش داخلی شده است. بدیهی است در شرایط کاهش تولید به واسطه محدودیت های تامین انرژی و همچنین افزایش محدودیت ها و هزینه های مبادله صادرات، اولویت شرکت تامین داخل و فروش در بورس کالا خواهد بود و از میزان صادرات آن کاسته خواهد شد.

محصول	نرخ صادرات به فروش داخل ۱۴۰۲	نرخ صادرات به فروش داخل ۱۴۰۳
محصولات گرم	۰,۸۸	۰,۹۳
محصولات پوشش دار	۰,۶۴	۰,۷۴
تختال	۰,۸۹	۰,۹۸



محصولات سرد	به دلیل عدم صادرات محصولات سرد در سال ۱۴۰۲، نسبت قابل محاسبه نیست.	۱,۰۱
-------------	--	------

۲. بررسی صورت های مالی شرکت زاگرس نشان می دهد که درآمد عملیاتی این شرکت در سال ۱۴۰۳ معادل ۸٪ و بهای تمام شده درآمدهای عملیاتی به میزان ۱٪ افزایش داشته است که نشان دهنده بهبود نسبی عملکرد آن در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ است. این امر به طور مشخص ناشی از کاهش هزینه گاز طبیعی مصرفی این شرکت است. از منظر هزینه های عملیاتی، در سال ۱۴۰۳ بهای سوخت (گاز) شده شرکت حدود ۱۴ درصد نسب به سال ۱۴۰۲ کاهش داشته است. هزینه های فروش، اداری و عمومی شرکت نیز رشدی معادل ۸ درصد را تجربه کرده است.

مهمترین محصول شرکت زاگرس متانول است (محصول دیگر شرکت بخار است که به عنوان یوتیلیتی صرفا در بازار داخل عرضه می شود). مقایسه عملکرد سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۲ شرکت زاگرس نشان می دهد که نرخ فروش داخل و صادرات کلیه محصولات نسبت به سال ۱۴۰۲ با افزایش همراه بوده است. همان گونه که در جدول ذیل مشاهده می شود، نرخ فروش داخلی شرکت متانول ۶۳٪ و نرخ صادرات آن ۳۱٪ افزایش داشته است. پایین تر بودن نرخ صادرات این محصول در مقایسه با فروش داخل علاوه بر چالش های مرتبط با صادرات متانول، به نرخ ترجیحی ارز صادراتی این شرکت نیز مربوط است که سبب شده افزایش درآمد صادراتی آن کمتر از متوسط تورم سال ۱۴۰۳ (معادل ۳۲,۵ درصد) باشد.

جدول - مقایسه رشد نرخ فروش داخلی و صادراتی شرکت پتروشیمی زاگرس در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

محصول	نسبت نرخ فروش داخلی ۱۴۰۳ به ۱۴۰۲	نسبت نرخ صادرات ۱۴۰۳ به ۱۴۰۲
متانول	۱,۶۳	۱,۳۱

مقایسه نرخ صادرات به فروش داخل شرکت پتروشیمی زاگرس نیز نشان می دهد که این شرکت هم در سال ۱۴۰۲ و هم در سال ۱۴۰۳، محصولات خود را با بهای بیشتر از بازار داخل صادرات کرده است. اما نکته حایز اهمیت آن است که در طول دوره بررسی، افزایش نرخ صادرات شرکت نسبت به نرخ فروش داخل با کاهش روبرو شده است و ۴۶٪ در سال ۱۴۰۲ به ۱,۱۷ در سال ۱۴۰۳ رسیده است. برای این مهم دلایل متعددی می توان ذکر کرد، اما بدون شک سرکوب قیمت ارز برای رفع تعهد ارزی از جمله عواملی است که موجب کاهش این فاصله شده است.

جدول - مقایسه نرخ صادرات به فروش داخلی شرکت پتروشیمی زاگرس در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

محصول	نسبت نرخ صادرات به فروش داخل ۱۴۰۲	نسبت نرخ صادرات به فروش داخل ۱۴۰۳
متانول	۱,۴۶	۱,۱۷

۳. بررسی صورت های مالی شرکت آلومینیوم اراک نشان می دهد که درآمد عملیاتی این شرکت در سال ۱۴۰۳ معادل ۴۲٪ و بهای تمام شده درآمدهای عملیاتی به میزان ۴۳٪ افزایش داشته است که نشان دهنده ثبات نسبی عملکرد آن در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ است. در این دوره هزینه برق ۳۹٪، هزینه آب ۳۷٪ و هزینه گاز ۵٪



افزایش را نشان می دهد. هزینه های فروش اداری و عمومی نیز رشد ۵۶٪ را تجربه کرده است. این افزایش در هزینه ها به واسطه رشد بالای افزایش نرخ فروش در بازار داخلی جبران شده به طوری که همان گونه که در جدول ذیل ملاحظه می شود، شمش خالص ۶۶٪، شمش بیلت ۵۵٪ و شمش آلیاژ ۶۶٪ افزایش قیمت را در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ تجربه نموده است. اما رشد نرخ فروش صادراتی شمش خالص در این بازه تنها ۲۲٪ رشد را تجربه کرده است. جدول -مقایسه رشد نرخ فروش داخلی و صادراتی شرکت آلومینیوم اراک در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

محصول	نسبت نرخ فروش داخلی ۱۴۰۳ به ۱۴۰۲	نسبت نرخ صادرات ۱۴۰۳ به ۱۴۰۲
شمش خالص	۱,۶۶	۱,۲۲
شمش بیلت	۱,۵۵	به دلیل عدم صادرات شمش بیلت در سال ۱۴۰۲، نسبت قابل محاسبه نیست.
شمش آلیاژ	۱,۶۶	به دلیل عدم صادرات شمش آلیاژ در سال ۱۴۰۲، نسبت قابل محاسبه نیست.

مقایسه نرخ صادرات به فروش داخل شرکت آلومینیوم اراک نیز نشان می دهد که این شرکت هم در سال ۱۴۰۲ و هم در سال ۱۴۰۳، محصولات خود را با بهای کمتر از بازار داخل صادرات کرده است. در سال ۱۴۰۲، نرخ صادرات شمش خالص این شرکت نزدیک به بهای فروش داخل بوده و نسبتی معادل ۰,۹۶ داشته است. اما در سال ۱۴۰۳، بهای صادرات محصولات این شرکت نسبت به بهای فروش داخل با افت قابل ملاحظه ای روبرو شده و برای شمش خالص به ۰,۶۸ و برای شمش بیلت به ۰,۶۹ رسیده است. این امر دلایل متعددی دارد که از آن جمله می توان به رقابت بالای بورس کالا برای محصولات آلومینیوم اشاره کرد که موجب شد نرخ معاملاتی محصولات آلومینیوم در بورس کالا نزدیک به دلار آزاد باشد، اما نرخ صادرات آن به واسطه سیاست رفع تعهد ارزی پایین تر از نرخ دلار آزاد باشد.

جدول - مقایسه نرخ صادرات به فروش داخلی شرکت آلومینیوم اراک در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

محصول	نسبت نرخ صادرات به فروش داخل ۱۴۰۲	نسبت نرخ صادرات به فروش داخل ۱۴۰۳
شمش خالص	۰,۹۶	۰,۶۸
شمش بیلت	به دلیل عدم صادرات شمش بیلت در سال ۱۴۰۲ قابل محاسبه نیست.	۰,۶۹
شمش آلیاژ	به دلیل عدم صادرات شمش آلیاژ در سال ۱۴۰۲ قابل محاسبه نیست.	به دلیل عدم صادرات شمش آلیاژ در سال ۱۴۰۳ قابل محاسبه نیست.



۳ نکته در ارتباط با کاهش صادرات کالاهای آلومینیومی به عراق:

- ۱- یکی از دلایل عمده؛ قیمت Ime لندن هست که کشور رقیب مثل ترکیه با قیمت Ime و گاهی هم زیر قیمت Ime از رو سیاه خریداری می کند و عوارض ورودی به این کشور صفر می باشد، در حالیکه در ایران آلومینیوم خالص را $Ime + 40$ دلار ضربدر نرخ دلار آزاد به صنایع پایین دستی می فروشند.
- ۲- با توجه به تحریم بودن ایران و عدم امکان سوئیفت و حواله پول از طریق بانکی، تحویل اسکناس به فروشنده ایرانی از طریق تجار عراقی نرخ تبدیل دینار به دلار در مقایسه با حواله بانکی تفاوت زیادی دارد. به طور مثال خریدار عراقی برای پرداخت یک دلار به فروشنده ترک ۱۳۲۰ دینار و برای فروشنده ایرانی ۱۵۲۰ دینار هزینه می کند یعنی ۲۰۰ دینار معادل ۱۵ سنت گرانتتر.
- ۳- مهمتر از همه مقررات رفع تعهد ارزی در ایران می باشد به طوریکه مواد اولیه را با دلار آزاد در بورس به صنایع پایین دستی می فروشند و از طرف دیگر موقع صادرات دلار حاصل از صادرات را به قیمت ارز مبادله از صادرکننده دریافت می کنند که اختلاف یک دلار حدود ۲۰۰۰۰۰ ریال معادل ۲۳ سنت می باشد.

- اختلال در تخصیص و تامین ارز جهت واردات کالاها:

در سال جاری نرخ ارز به علت تغییر در شرایط بین المللی با انتظارات افزایشی مواجه خواهد بود، همچنین افزایش هزینه های نظامی دولت منجر به افزایش تقاضا برای ارز خواهد شد. از طرف دیگر با توجه به روی کار آمدن دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، در دی ماه سال ۱۴۰۳، نگرانی ها نسبت به کاهش صادرات نفت ایران بالا گرفت و به دنبال مشکلات متعدد بین المللی و تحریم های موجود و تحت تاثیر شرایط جنگی کشور این نگرانی ادامه دارد و فروش نفت و درآمدهای ارزی می تواند تحت تاثیر شرایط جنگی کاهش یابد؛ لذا در چنین شرایطی، بازگشت ارز حاصل از صادرات غیرنفتی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

طبق گزارش منتهی شده در روزنامه دنیای اقتصاد مورخ ۴ مرداد ۱۴۰۴، بررسی ها نشان می دهد که در بازه ای تقریباً برابر از سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، مجموع ارز تخصیص یافته به شکل قابل توجهی کاهش داشته است، این کاهش از ۲۰ میلیارد و ۱۸۲ میلیون دلار به ۱۵ میلیارد و ۳۲۸ میلیون دلار (کاهش ۲۴ درصدی) می باشد که یکی از دلایل کاهش نرخ بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور می باشد. الزام صادرکنندگان به فروش ارز خود در مرکز مبادله، آن هم با نرخ هایی پایین تر از نرخ بازار آزاد، انگیزه بازگشت ارز را تضعیف کرده و موجب شده بخشی از ارز صادراتی یا باز نگردد یا خارج از ساز و کار رسمی مبادله شود.

**بخش سوم: بررسی چالش های اصلی حوزه تجاری در کاهش صادرات ایران****۱. سلطه سیاست های ارزی و پولی بر سیاست های تجاری:**

در آسیب شناسی سیاست گذاری در حوزه تجارت خارجی در ایران عامل مهم دیگر سلطه سیاست های ارزی و پولی بر سیاست های تجاری است. به این معنا که در واقع سیاست گذاری در این حوزه در دستان سیاست گذار پولی است و سیاست گذار تجاری در طول این امر قرار می گیرد. دو مصداق می توان برای این امر بیان کرد. نخست صدور بخشنامه های خلق الساعه و پی در پی از سوی سیاست گذار پولی و ارزی که به فعالین تجاری اصابت می کند. مانند ابلاغ دستورالعملی از سوی بانک مرکزی به شبکه بانکی که از ابتدای خرداد ماه سال جاری ممنوعیت اعطای تسهیلات و صدور ضمانت نامه و اعتبار اسنادی برای صادرکنندگانی که کمتر از ۷۰ درصد رفع تعهد ارزی انجام داده اند، اجرایی گردد و همچنین ممنوعیت اعطای تسهیلات به صادرکنندگانی که کمتر از ۸۰ درصد رفع تعهد ارزی انجام داده اند، دوم کاهش میانگین نرخ های تعرفه در بطن قانون بودجه سالانه که در خصوص کاهش میانگین نرخ های تعرفه باید گفت که اساسا این امر یک تصمیم در چارچوب سیاست های تجاری کشور نبود بلکه به دلیل افزایش پیاپی نرخ ارز، با هدف جلوگیری از تورم وارداتی میانگین نرخ های تعرفه کاهش یافت.

۲. عدم اجرای روش رفع تعهد ارزی از طریق واردات در مقابل صادرات:

بر اساس آیین نامه اجرایی بند ۱۳ ماده ۱ آیین نامه اجرایی تبصره ۶ بند ح ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و متعاقب آن برنامه هفتم توسعه، هفت روش برای بازگشت ارز حاصل از صادرات در نظر گرفته شده است و یکی از روش های رفع تعهد ارزی از طریق واردات در مقابل صادرات می باشد لیکن با توجه به سهمیه بندی انجام شده از سوی وزارت صمت این روش با مشکلات عدیده ای روبه رو است به نحوی که در بسیاری از مواقع صادرات شرکت ها بیشتر از سهمیه وارداتی اختصاص یافته بوده است و این سیاست سبب شده است تا استفاده ۱۰۰ درصدی از این روش برای رفع تعهد ارزی صادرات مخدوش گردد.

۳. تمرکز جغرافیایی و کالایی شدید و ماندگاری پایین کالاهای صادراتی: یک از مهم ترین چالش های تجارت

خارجی ایران، کاهش شدید تنوع در شرکای تجاری می باشد. در سال ۱۳۸۳ حدود ۸۰ درصد صادرات ایران به ۲۱ کشور انجام می گرفت. این رقم در سال ۱۴۰۲ به ۷ کشور کاهش یافت و در سال ۱۴۰۴ نیز طبق آمار گمرک ۷ کشور عمده مقاصد صادرات غیر نفتی بودند (چین، عراق، افغانستان، امارات، ترکیه، پاکستان و عمان) و ۸۰ درصد صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده اند؛ این در حالی است که در همین بازه زمانی، الگوی جهانی به سمت افزایش تعداد کشورهای تجاری پیش رفته است و چنین تمرکز شدیدی باعث افزایش آسیب پذیری اقتصاد ایران در برابر تحریم ها و نوسانات بازارهای هدف شده است.

همچنین تعداد اقلام کالاهای صادراتی که حداقل ۱۰ هزار دلار صادرات داشته اند از ۱۱۲ قلم کالا از سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است اما این رشد در مقایسه با روند جهانی ناچیز بوده است. افزایش های ناگهانی نرخ ارز در سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ منجر به رشد موقت تنوع صادراتی گردید اما به دلیل عدم برنامه ریزی بلندمدت این روند تداوم نیافت. مواد شیمیایی، پتروشیمی، فلزات پایه و محصولات کشاورزی، عمده محصولات صادراتی ایران هستند.



گروه کالایی	سهم از کل صادرات غیرنفتی (درصد) در سال ۱۴۰۳
مواد معدنی	۳۹,۸
فلزات پایه	۱۷,۵
صنایع شیمیایی و وابسته	۱۱,۷
پلاستیک/لاستیک	۹,۶
محصولات گیاهی	۹
حیوانات و محصولات حیوانی	۲,۸
مواد غذایی و نوشیدنیها	۲,۵
سنگ/شیشه	۲
قطعات صنعتی و الکتریکی	۱,۷
منسوجات	۱,۳
وسایل نقلیه	۰,۵
سنگهای قیمتی، فلزات، مروارید و سنگها	۰,۴
محصولات تولیدی متفرقه	۰,۳
خمیر چوب و مواد الیافی	۰,۳
چوب و محصولات چوبی	۰,۲

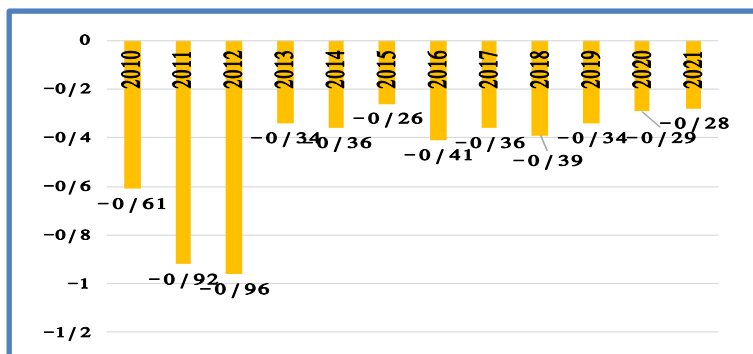
طبق گزارش‌های پژوهشی از میان ۳۹۰۹ قلم از اقلام صادراتی، تنها ۲۸,۷ درصد به صورت مداوم در فهرست صادرات کشور حضور داشته‌اند. حدود ۴۳ درصد از کالاها کمتر از ۵ سال در سبد صادراتی باقی مانده‌اند و این آمار نشان دهنده آن است که برنامه ریزی منسجمی برای حفظ و توسعه بازارهای صادراتی وجود نداشته است.^۱

۴. فناوری پایین در سبد صادراتی:

پیچیدگی اقتصادی، شاخصی برای نشان دادن تبلور انباشت دانش یک کشور در محصولات تولید و صادر شده توسط آن است و طبق نمودار زیر عدم بهبود چشمگیر شاخص پیچیدگی اقتصادی ایران در چند سال اخیر نشان‌دهنده سهم بالاتر کالاهای با پیچیدگی کمتر در سبد صادراتی کشور است و بر صادرات کالاهای خام و سنتی و کشاورزی تمرکز شده است.^۲

^۱ بررسی وضعیت تجارت خارجی ایران با استفاده از شاخص‌های حوزه صادرات، ۱۴۰۳/۲/۲، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

^۲ گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران



۵. ضعف در دیپلماسی تجاری و توافقنامه‌های اقتصادی:

در بند ۱۰ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه اشاره شده است. لذا با توجه به تاکید اسناد بالادستی کشور و سند چشم‌انداز بر ارتقای جایگاه اقتصادی و فن‌آوری ایران در منطقه، اولویت دادن به تعامل اقتصادی سازنده و اثربخش با جهان در قالب دیپلماسی اقتصادی که از ظرفیت بهره‌گیری از منافع اقتصاد جهانی برخوردار باشد، به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است، زیرا در شرایط فعلی که کشور تحت فشارهای بین‌المللی از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی و جنگ است، اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گرا و تعامل فعال در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و اعتماد سازی در روابط خارجی می‌تواند منجر به ثبات در مناسبات تجاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی شود. لیکن دستگاه‌های دیپلماسی اقتصادی کشور چندان در این زمینه مناسب و با جدیت اقدامات حمایتی خود را از صادرکنندگان انجام نداده‌اند و سهم ایران از بازارهای صادراتی در کشورهای همسایه به واسطه اقدامات فعالانه برخی از کشورهای رقیب، کاهش داشته است.

طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بیش از ۱۵۸ توافقنامه تجاری و گمرکی با بیش از ۶۹ کشور امضا شده است اما اثر بخشی کم داشته‌اند و این توافقی‌ها بدون محاسبه شاخص‌هایی مانند مزیت نسبی صادراتی و پتانسیل‌های صادراتی صورت گرفته و حتی با کشورهایی که بالاترین سطح تجارت را دارد، توافق رسمی تجاری وجود ندارد. همچنین گزارش‌های ارزیابی عملکرد و پایش و نظارت‌های دوره‌ای در این خصوص وجود ندارد و در تجارت‌های ترجیحی نیز کالاهای کم اهمیت انتخاب می‌شوند و تمرکز صرفاً بر کاهش تعرفه‌ها می‌باشد و به موانع غیر تعرفه‌ای توجه نمی‌شود. همچنین ضعف دفاتر نمایندگی تجاری و تعداد اندک رایزن‌های بازرگانی یکی از ضعف‌های موجود است و تقویت دیپلماسی تجاری کشور نیازمند فعال شدن حداکثری سازمان توسعه تجارت و معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه است که بتواند با رایزن‌های بازرگانی کارآمد و متخصص بازاریابی فعال در خصوص صادرات محصولات داخلی انجام داد و براساس یک سازوکار دقیق و قانونی از ظرفیت فعالان اقتصادی به عنوان رایزن بازرگانی در کشورهای هدف استفاده شود.

**۶. ضعف زیرساختی و لجستیکی:**

بخش دیگری از زنجیره صادرات غیر نفتی مربوط به حوزه خدمات، پشتیبانی و لجستیکی است بخش مهمی از این زنجیره در انتقال کالا به بازارهای هدف متمرکز است و گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیر ساخت‌های مورد نیاز یکی از مولفه‌های بند ۱۰ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که به واسطه تشدید تحریم‌های اقتصادی و جنگ، توسعه نیافتگی شبکه حمل و نقل بین المللی و ناکارآمدی در این بخش، عدم ارائه خدمات لجستیکی یکپارچه مطابق استانداردهای جهانی به صاحبان بار و فر سودگی ناوگان حمل و نقل و تمرکز بر حمل و نقل جاده‌ای به جای حمل و نقل ترکیبی، امکانات ناکافی لجستیکی در گمرکات مرزی و بنادر (پایانه‌های صادراتی، بنادر خشک، تجهیزات و ماشین آلات مدرن تخلیه و بارگیری) و کمبود خطوط کشتیرانی و ریلی با برخی از بازارهای هدف صادراتی مشکل برای این بخش ایجاد شده است و مدیریت این زنجیره یعنی مدیریت جریان کالا، اطلاعات یا هر نوع منابع دیگر است نیازمند برنامه ریزی، اجرا و کنترل است.

۷. شرایط رکود تولید: طبق گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، شاخص مدیران خرید (شامخ) در بخش کل اقتصاد و در بخش صنعت کشور در خرداد ماه ۱۴۰۴ کاهش یافته است و وضعیت به مراتب بدتر را نشان می‌دهد و در تمامی مولفه‌های آن با کاهش قابل توجهی روبه‌رو است و یافته‌ها از نگاه فعالان اقتصادی به شرح ذیل است:

کمیوهای انرژی و تدوام گسترده برق و گاز همچنان به عنوان یکی از عواملی است که منجر به کاهش فعالیت در بسیاری از شرکت‌های تولیدی شده است و بسیاری بدون اطلاع قبلی باعث خسارت به دستگاه‌ها و ابزار آلات صنعتی به خصوص واحدهای کوچک و متوسط شده است. همچنین صنایع به دلیل نوسانات ارزی و فشارهای قیمتی با مشکل در تامین مواد اولیه مواجه هستند و عدم تخصیص به موقع ارز همراه با موانع بسیاری در فرایندهای گمرکی سبب شده است تا بسیاری از واحدهای تولیدی در تامین نهاده‌های مورد نیاز خود با مشکل مواجه شوند و قیمت مواد اولیه افزایش یابد و در نهایت منجر به کاهش ظرفیت تولید و فروش گردد. به علاوه آنکه کاهش قدرت خرید و نبود نقدینگی در بازار منجر به کاهش تقاضا و سفارشات مشتریان شده و تولیدکنندگان با کاهش فروش و اختلال در برنامه ریزی رو به رو شده اند.

به صورت خلاصه بی ثباتی بازار و مشکلات موجود، تولید کالا صرفه اقتصادی ندارد و ادامه فعالیت کارخانه‌ها منجر به زیان روزانه می‌شود. در چنین شرایطی، امکان برنامه‌ریزی پایدار تولید برای بسیاری از بنگاه‌ها محدود شده و برخی را به تعدیل در نیروی کار یا حتی توقف موقت تولید سوق داده است.

در مجموع جنگ دوازده روزه تأثیرات منفی بر عملکرد بسیاری از واحدهای اقتصادی و تجاری داشته است. در برخی موارد شرکت‌هایی که مشتریان نیمه دولتی داشته اند، با مشکل عدم وصول مطالبات رو به رو بوده اند. تعداد اندکی هم دچار خسارت و آسیب به کالاها شده اند.

در نهایت الزام به رفع تعهد ارزی موانعی را برای تولید کننده و در نهایت صادرکنندگان ایجاد کرده است و فعالان اقتصادی معتقدند که در شرایط خاص مانند وقوع جنگ انتظار می‌رود مهلت زمان اجرای تعهدات افزایش یابد. هر



چند بسته حمایتی ابلاغی دولت کمک کننده در کوتاه مدت می باشد لیکن حمایت جامع و فراگیر در سطح ملی و منطقه ای از بنگاه های اقتصادی و تجاری در این شرایط کشور حیاتی خواهد بود.

جدول ۴: شاخص مدیران خرید (شاخص) زیربخش های صنعت، تعدیل فصلی شده، خرداد ۱۴۰۲

شاخص	صنایع غذایی	صنایع نساجی	پوشاک و چرم	چوب کاغذ و سلفون	صنایع فلزی و فلزات	صنایع شیمیایی	صنایع لاستیک و پلاستیک	صنایع کانی غیر فلزی	صنایع فلزی	عاشقین سازی و لوازم خانگی	وسایل نقلیه و قطعات وابسته	سایر صنایع
شاخص کل فعالیت	۴۰/۰	۳۳/۶	۲۱/۳	۴۱/۷	۳۴/۶	۴۰/۶	۴۲/۱	۵۱/۰	۳۴/۱	۳۴/۵	۲۷/۶	۳۸/۳
مقدار تولید محصولات	۳۴/۹	۳۲/۰	۱۵/۰	۴۶/۰	۳۳/۵	۳۱/۰	۳۵/۹	۵۱/۵	۳۴/۸	۲۸/۴	۱۹/۴	۳۱/۹
میزان سفارشات جدید	۴۰/۹	۳۵/۲	۱۲/۲	۳۵/۲	۳۵/۲	۲۸/۳	۲۹/۷	۴۹/۹	۳۴/۶	۲۸/۰	۲۳/۴	۵۲/۹
سرعت انجام و تحویل سفارش	۴۵/۹	۴۱/۹	۲۶/۳	۵۷/۰	۵۲/۵	۴۱/۲	۵۰/۰	۶۰/۸	۴۵/۰	۵۲/۸	۲۹/۶	۴۳/۱
موجودی مواد اولیه	۳۵/۳	۱۲/۵	۳۸/۵	۴۲/۷	۴۴/۹	۳۳/۷	۴۸/۵	۵۰/۰	۳۴/۰	۴۲/۱	۲۹/۲	۲۰/۰
میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۴۳/۰	۳۷/۵	۳۰/۸	۳۳/۱	۴۶/۰	۴۴/۱	۵۹/۱	۴۵/۵	۴۱/۰	۳۳/۴	۴۱/۷	۳۰/۰
قیمت خرید مواد اولیه	۸۷/۹	۸۱/۳	۶۹/۲	۷۶/۹	۸۰/۸	۷۸/۴	۶۸/۲	۷۷/۳	۷۴/۹	۷۵/۴	۷۵/۰	۶۰/۰
موجودی محصول نهایی در انبار	۵۲/۳	۵۰/۰	۶۱/۵	۳۳/۱	۳۸/۵	۴۷/۳	۶۲/۶	۶۸/۲	۵۹/۱	۶۲/۲	۴۴/۳	۵۰/۸
میزان صادرات کالا	۴۵/۷	۴۴/۰	۳۴/۳	۴۰/۷	۳۰/۶	۴۰/۶	۴۷/۵	۵۰/۰	۲۸/۵	۴۹/۳	۴۰/۸	۲۸/۱
قیمت محصولات تولیدشده	۵۹/۱	۶۶/۸	۶۱/۵	۵۷/۷	۶۹/۲	۵۹/۵	۵۰/۰	۶۸/۲	۶۱/۲	۵۲/۶	۵۲/۱	۴۸/۳
مصرف حامل های انرژی	۴۳/۴	۳۵/۷	۲۵/۰	۵۳/۹	۴۵/۴	۳۹/۲	۴۷/۱	۴۸/۳	۳۴/۸	۳۲/۷	۲۱/۲	۴۳/۲
میزان فروش محصولات	۳۱/۳	۳۵/۶	۹/۴	۳۲/۷	۳۹/۴	۲۷/۱	۲۹/۳	۳۵/۶	۲۷/۴	۲۲/۰	۲۰/۰	۵۰/۸
انتظارات تولید در ماه آینده	۵۷/۴	۵۸/۸	۴۲/۸	۴۷/۳	۵۵/۳	۵۵/۶	۶۳/۷	۶۷/۶	۵۲/۳	۵۵/۲	۳۱/۷	۵۳/۳

۸. مشکلات مربوط به نقدینگی و سرمایه در گردش شرکت های صادرات محور:

-استرداد مالیات بر ارزش افزوده:

استرداد مالیات بر ارزش افزوده شرکت های صادرکننده بعضاً بیش از یک سال و نیم به طول می انجامد که این موضوع موجب بروز مشکلات زیادی برای صادرکنندگان در حوزه های مختلف است و پیشنهاد می شود برای مواردی که اطلاعات خرید و فروش آن داخل سامانه مودیان ثبت گردیده است، حداقل ۸۰ درصد از اعتبار ارزش افزوده شرکت ها به صورت علی الحساب از سوی سازمان امور مالیاتی به مودیان مسترد شود و برای سایر موارد که خارج از سامانه می باشد پس از رسیدگی به مودیان استرداد صورت پذیرد.

- ضمانت نامه بابت عوارض صادراتی:

عوارض صادراتی در موارد مشمول، جزء الزامات تشریفات گمرکی است که در زمان صدور کالا در گمرک می بایست نقداً پرداخت و سازمان مجری بدون وصول این عوارض نمی تواند اجازه صدور و خروج کالا را از کشور بدهد. چه آنکه حسب مقتضیات زمان، نوع معامله و شرایط تحریمی کشور در شرایط کنونی امکان بازگشت سریع سرمایه به چرخه تولید و تجارت وجود نداشته و از این حیث صادرکنندگانی که مستمراً اقدام به صدور کالا می نمایند را دچار مشکل نقدینگی و سرمایه در گردش می کند و النهایه این امر می تواند یکی از عوامل موثر در کاهش حجم صادرات کشور باشد. لذا از جمله راهکارها و تسهیلاتی که برای حل این مشکل وجود دارد و مورد درخواست عموم صادرکنندگان نیز



می‌باشد، امکان تودیع ضمانتنامه بانکی برای تأمین مبلغ عوارض صادراتی در زمان صدور کالا بصورت تجمیعی و موردی به سررسید انتهای سال مالی است.

۹. تحریم‌های بین‌المللی:

تحریم‌های بین‌المللی تأثیرات عمیقی بر ساختار تجارت خارجی ایران گذاشته است و سبب شده تا در شرایط تحریم اولویت با کشورهایی باشد که امکان مبادله با آن‌ها وجود دارد و نه کشورهایی که از نظر اقتصادی مناسب‌ترین شریک هستند و این امر منجر به انحراف از الگوی بهینه تجاری شده است.

به علاوه آنکه بسیاری از بازارهای سنتی ایران که با زحمت ایجاد شده بودند، در اثر تحریم‌ها از دست رفته‌اند و بازگشت به آن‌ها هزینه‌بر و زمان‌بر خواهد بود. همچنین تغییرات مکرر مقررات صادرات و واردات نشان‌دهنده این است که تحریم باعث شده است تا سیاست تجاری واکنشی و مقطعی گردد.

۱۰. عدم پیوستن به FATF:

تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری از مولفه‌های اقتصاد مقاومتی است که شامل انعطاف‌پذیری در پذیرش استاندارد و پیمان‌های جهانی از جمله FATF و تعامل با بازارهای جهانی می‌باشد. با عنایت به آنکه زیرساخت‌های مبادله در عرصه بین‌الملل شامل زیرساخت‌های مالی، بیمه و حمل‌ونقل عمدتاً متأثر از کشورهای غربی و سیاست‌های آنها عمل می‌کند و نمی‌توان بدون رفع موانع و محدودیت‌های تحریم‌ها نقش درخور توجهی در زنجیره ارزش جهانی ایفا کرد، برقراری تعامل سازنده با جهان و عضویت در معاهدات بین‌المللی همچون FATF، پالرمو و ... از مهم‌ترین الزامات تقویت توان تولید داخل محسوب می‌شود.

چندین سال است که فعالان اقتصادی ایرانی نمی‌توانند گشایش اعتبار داشته باشند یا از سیستم برات استفاده کنند و عملاً انتقال پول به کشورهای طرف معامله از طریق صرافی‌های خصوصی یا برخی از صرافی‌های بانکی انجام می‌شود. مشکل اصلی این است که به دلیل تحریم‌ها هزینه مبادله شرکای تجاری طرف معامله با ایرانیان افزایش یافته و در برخی مواقع هم پرداخت‌ها به صورت چمدانی انجام می‌شود. لذا قرار گرفتن در لیست سیاه FATF یکی از مهم‌ترین مشکلات فعالان اقتصادی با سیستم بانکی است لذا پذیرش FATF در شرایط تحریم و رکود اقتصادی از منظر تسهیل روابط تجاری و کاهش هزینه مبادلات، یکی از گام‌های بلند برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور است و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با انتشار بیانیه‌ای، پذیرش کامل توصیه‌های FATF و تلاش برای خروج از لیست سیاه و برقراری ارتباطات امن و شفاف اقتصادی و مالی با جهان را در آذر ماه ۱۴۰۳ اعلام نمود.

بخش چهارم: بررسی اهم قوانین و مقررات حوزه صادرات، چالش‌ها و مشکلات فعالان اقتصادی در این حوزه:

در اسناد بالادستی به ویژه بند ۱۰ از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تأکید فراوانی بر صادرات غیر نفتی شده است. همچنین در چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه بر افزایش صادرات در کنار تولید تأکید شده است. بنابراین گسترش بازارهای صادراتی کشور از امور ضروری برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد ملی است. در این ارتباط مجموعه قوانین و مقررات مربوط به صادرات را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی نمود: قوانین برنامه پنج‌ساله به عنوان قانون بالادستی، سایر



قوانین مصوب و آیین نامه‌ها و بخشنامه‌های مربوط به حوزه صادرات که ضمن توضیح مختصر در ارتباط با هر کدام از این موارد، چالش‌ها و مشکلات نیز بیان می‌گردد:

• **قانون برنامه هفتم توسعه:**

قانون برنامه هفتم توسعه، با هدف افزایش صادرات غیرنفتی و توسعه صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا، اهدافی را دنبال می‌کند. این اهداف شامل رشد متوسط سالانه ۲۳ درصدی صادرات غیرنفتی، کاهش خام‌فروشی و افزایش صادرات محصولات فرآوری شده و دانش‌بنیان، صادرات خدمات و مهندسی و... است. برنامه هفتم توسعه به دنبال افزایش سهم صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی است تا وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی کاهش یابد همچنین این برنامه به دنبال اجرای اقدامات حمایتی، رفع موانع و تسهیل فرآیندهای صادراتی؛ بهبود زیرساخت‌های لجستیکی و حمل و نقل و حمایت از صادرکنندگان از طریق ارائه مشوق‌های مالی و تسهیل دسترسی به منابع مالی است که تمامی این موارد نیازمند برنامه‌ریزی دقیق می‌باشد.

لازم به ذکر است در بند ۲ ماده ۱۱ قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت و جهت ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز آمده است که صادرکنندگان خرد از جمله صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی، محصولات صنعتی دانش بنیان و خلاق، محصولات باغی و کشاورزی و صنایع دستی می‌توانند ارز حاصل از صادرات خود را در مرکز مبادله ارز و طلای ایران عرضه نموده یا پس از اعلام به بانک مرکزی، برای واردات کالاهای مجاز که بانک مرکزی با تامین ارز آنها موافقت کرده است، توسط خود یا دیگر واردکنندگان مورد استفاده قرار دهند. صادرکنندگان خرد موضوع این جزء با توجه به نوع و حجم کالا یا خدمت صادر شده، به پیشنهاد وزیر صنعت، معدن و تجارت و با همکاری وزرای جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و معاون علمی و فناوری و اقتصاد دانش بنیان رئیس‌جمهور، توسط هیات وزیران تعیین می‌شوند، لیکن تاکنون این لیست تهیه و ارسال نشده است.

به علاوه آنکه در ماده ۱۱۹ این برنامه مقرر شده است تا دولت حداکثر ظرف یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون الزامات رشد بیشتر از ۲۵ درصدی صادرات غیر نفتی را فراهم نماید که لازم است این الزامات در اسرع وقت تدوین شوند.

• **قانون و آیین نامه مقررات صادرات و واردات:**

قانون مقررات صادرات و واردات یکی از مهم‌ترین قوانین در حوزه تجارت و اقتصاد است که اصول حاکم بر نظام تجارت خارجی را تعیین می‌کند. به موجب ماده ۳ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲، مبادرت به امر صادرات و واردات کالا به صورت تجاری مستلزم داشتن کارت بازرگانی است که طبق ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی مقررات صادرات و واردات مقرر شد تا سقف ارزشی واردات و صادرات برای دریافت کنندگان کارت بازرگانی براساس رتبه‌بندی اعتباری سامانه یکپارچه اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری، تعیین شود و در صورت عدم امکان رتبه‌بندی، این سقف در سال اول پانصد هزار دلار (۵۰۰,۰۰۰ دلار) باشد. لیکن از نگاه فعالان اقتصادی در حال حاضر اعدادی که به عنوان سقف اعتباری در سامانه جامع تجارت نمایش داده می‌شود، به هیچ عنوان متناسب با فعالیت‌های فعالان اقتصادی نمی‌باشد و بر صادرات نیز اثرات منفی دارد و اساساً تعیین سقف برای صادرات کاری بی‌معنا است و همین



امر از جمله علل افزایش درخواست کارت بازرگانی در سال ۱۴۰۳ و جهت استفاده بیشتر از سقف ارزشی می باشد؛ لذا تعیین این سقف ها و رتبه بندی اعتباری از مصادیق تشریفات زائد و دست و پا گیر و نامساعد کننده محیط کسب و کار تلقی می شود که جهت جلوگیری از اعمال سلیقه در اجرای این آیین نامه، می بایست نسبت به اصلاح سقف های اعتباری کارت های بازرگانی اقدام مقتضی به عمل آید.

همچنین لازم به ذکر است از مهم ترین چالش های فعالان اقتصادی، در دهه های گذشته فقدان ثبات، انضباط و انسجام حقوقی و عدم مشارکت آنان در تدوین و تصویب و انتشار قوانین و مقررات مرتبط با محیط کسب و کار بوده است لذا برای تحقق این موضوع مواد ۲، ۳، ۲۴ و ۳۰ قانون بهبود به تصویب رسیدند و آیین نامه های اجرایی تدوین گردید، لیکن بعضاً وزارتخانه های متولی در حوزه صادرات، به این مواد پایبند نیستند و مقررات مربوط به این حوزه را بدون مشارکت و با عدم رعایت مواد مذکور تدوین و تصویب و اجرا می نمایند که برای تحقق و ثبات و امنیت سرمایه گذاری و جلوگیری از صدور بخشنامه های غیر قابل منتظره، غافلگیر کننده و حذف افق برنامه ریزی مدیران بنگاه های اقتصادی بدون مشورت با بخش خصوصی در حوزه صادرات لازم است تا این مواد قانونی رعایت گردد، از جمله این موارد دستورالعمل اجرایی مربوط به نحوه اخذ ضمانت نامه به منظور شفاف سازی اعتباری کارت بازرگانی موضوع بند ۱۳ ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات می باشد که بدون مشورت با بخش خصوصی صادر شده و از نظر نحوه محاسبه سقف اعتباری کارت های بازرگانی دارای ابهامات است و تفاسیر مختلفی دارد. براین اساس فعالان اقتصادی برای افزایش سقف اعتباری کارت بازرگانی ملزم به ارائه ضمانت نامه شده اند تا از توان مالی بازرگانان اطمینان حاصل شود و از بروز تخلفات و سوء استفاده های احتمالی جلوگیری گردد. با این حال این الزام موجب بروز مشکلاتی نظیر کاهش نقدینگی به دلیل مسدود شدن بخشی از سرمایه و تحمیل هزینه های اضافی از جمله کارمزد و هزینه های کارشناسی و ارزیابی وثائق و محدودیت های نقدینگی و ... برای فعالان اقتصادی شده است.

در این ارتباط اتاق بازرگانی ایران جهت رعایت مواد ۲ و ۳ قانون بهبود و به دلیل نامشخص بودن چگونگی تعیین رتبه صادرکنندگان در سامانه و وجود ابهام در تعیین سقف صادرات و میزان اثر بخشی دستورالعمل مذکور در طی مکاتباتی از وزارت صمت درخواست نمود تا در جلسه ای این موضوع با حضور تهیه کنندگان و کمیسیون های تخصصی اتاق ایران مطرح و بررسی شود لیکن این امر محقق نگردید.

• قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز:

قاچاق کالا و ارز یکی از پدیده های زیان بار برای نظام اقتصادی است که آثار منفی آن بر تولید، تجارت، سرمایه گذاری بر کسی پوشیده نیست که بعد از اصلاح قوانین قبلی مربوط به مبارزه با قاچاق، قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در فروردین ۱۴۰۱ برای اجرا به دولت ابلاغ شد. این قانون اصلاحی نکات مثبتی دارد که کار را برای انجام قاچاق دشوار می کند. با این حال، قانون مذکور در کنار این نکات مثبت، شامل موادی است که می تواند با ایجاد مانع در سهولت تجارت، ابهام در فرایندهای گمرکی و ارزی و تضعیف حکمرانی در این زمینه، عملکرد معکوسی



داشته باشد و انگیزه و آمار قاچاق و فعالیت های مخرب را افزایش دهد و ضرورت دارد تا اصلاحاتی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صورت گیرد. از جمله موارد در حوزه صادرات در این قانون این است که:

۱. تعریف گسترده و موسع از قاچاق و همچنین شمول فراگیر مصادیق جرم انگاری یکی از نکات مهم است که موجب شده است شمار زیادی از فعالان اقتصادی و تجار به صورت ناخواسته و غیر عمد متخلف شناخته شوند و در مظان اتهام قرار گیرند. با توجه به شرایط اقتصادی خاص کشور در سال های اخیر برخی از اقداماتی که به منظور تسهیل جریان کالا و ارز و مقابله با تحریم و کمبودهای ناشی از آن ها انجام شده است. در این قانون به عنوان قاچاق کالا و ارز جرم انگاری شده اند و صادرکنندگان و واردکنندگان با حسن نیت می توانند به عنوان قاچاقچی محسوب شوند.

۲. تعارض و تناقض بین مواد قانونی وجود دارد. طبق ماده ۱۸ قانون، برای تمامی مصادیق قاچاق مجازات در نظر گرفته شده است و به همین دلیل، براساس قانون مجازات اسلامی تمامی مصادیق قاچاق به لحاظ حقوقی جرم محسوب می شود در حالی که در ماده ۴۴ برخی از مصادیق تخلف محسوب می شود و یا براساس تعریفی که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ماده ۱ ارائه داده، محدوده مفهوم قاچاق منحصر در «نقض تشریفات مربوط به ورود و خروج کالا» است، حال آنکه در برخی مواد این قانون، مصادیقی همچون خرید و فروش غیررسمی ارز به عنوان قاچاق ذکر شده که ناقض تعریف ماده ۱ است.

۳. یکی از چالش های مهم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عدم تناسب میان جرم و مجازات و کیفرگرایی مفرط است و این قانون برای پاسخ به اعمال مجرمانه و تخلف به مجموعه ای گسترده و متنوع از مجازات های موجود قوانین کیفری متوسل شده است. میان شدت عمل و میزان تأثیر عوامل حرفه ای و غیرحرفه ای در بازار ارز و حجم ارز مورد معامله در فعالیت های مخرب، تفاوت وجود دارد. بنابراین شدت جرم انگاری و مجازات برای عوامل حرفه ای و اثرگذار باید بیشتر از سایر عوامل باشد که این مسئله در این قانون مغفول واقع شده است.

۴. از جمله مصادیق ارزی قاچاق برخاسته از این قانون، تبصره ۶ بند ح ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است که براساس آن، کلیه صادرکنندگان کالا موظفند که ارز مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها رابه بانک مرکزی بفروشند و یا با تایید بانک مرکزی نسبت به فروش آن به سایر اشخاص اقدام یا جهت تامین ارز واردات کالای خود یا بازپرداخت بدهی تسهیلات ارزی استفاده نمایند. نکته حائز اهمیت این است که تمامی اختیارات ارزی و تجاری به بانک مرکزی داده شده است. همچنین تاکید تبصره مذکور بر ضرورت رفع تعهد ارزی توسط صادرکنندگان مشکلات زیادی را برای آن ها به ویژه صادرکنندگان خرد و کوچک ایجاد کرده است و در حال حاضر بسیاری از صادرکنندگان کوچک و متوسط به دلیل عدم امکان بازگشت کامل ارز (به دلایلی مانند کاهش ارزش کالا، مشکلات بانکی و ..) تحت عنوان قاچاقچی ارز به مراجع قضایی و امنیتی معرفی شده و با آن ها برخورد قضایی و امنیتی صورت می گیرد که این رویه به فضای کسب و کار آسیب جدی وارد می نماید. لذا عدم رفع تعهد ارزی که پیش تر یک تخلف محسوب می شد اکنون براساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می تواند به عنوان جرم تلقی شود و مجازات های سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است، این در حالی است که رویه های فعلی تعهد ارزی برای بسیاری از صادرکنندگان قابل اجرا نمی باشد و مشکلات متعددی را ایجاد نموده است از جمله اینکه



پیچیدگی‌های فرایندها، باعث تا صادرکنندگان به خصوص صادرکنندگان کوچک و متوسط در موعد مقرر نتوانند تعهدات ارزی خود را به طور کامل انجام دهند. این شرایط سبب شده تا برخی از صادرکنندگان ناخواسته در معرض اتهام قاچاق ارز قرار گیرند و به مراجع امنیتی و قضایی معرفی شوند در حالی که به هیچ وجه قصد تخلف نداشته اند لذا این حکم در این قانون تاثیرات منفی در صادرات داشته و سبب شده است تا صادرکنندگان از این چرخه خارج شوند و صادرات کاهش یابد و یا اشخاص به سمت استفاده از کارت‌های بازرگانی یکبار مصرف رفته‌اند که ارزی به چرخه اقتصادی بر نمی‌گردد.

۵. یکی از مصادیق کالایی قاچاق برخاسته از قانون و رویه‌های نادرست، ممنوعیت‌های صادراتی و تبدیل آن به مصداق قاچاق است و می‌توان به ممنوعیت‌های مقطعی صادرات برخی از محصولات کشاورزی مانند پیاز، گوجه فرنگی، سیب زمینی و خرما بدون زمان بندی و اطلاع رسانی قبلی اشاره نمود که باعث توقیف کالاهای در حال خروج و برخورد صادرکنندگان به عنوان متخلف یا قاچاقچی شده است. این مسئله ضمن ایجاد نارضایتی در میان تولیدکنندگان و تجار، بازارهای صادراتی کشور را نیز با تهدید مواجه ساخته است.

۶. در این قانون، تشخیص مصادیق ورود و خروج ارز به مصوبات شورای پول و اعتبار موکول شده است. در حالی که این شورا مرجع سیاست‌گذاری پولی و ارزی کشور است. «قاچاق انگاری معاملات مخرب» و «جرم انگاری» مقوله‌ای فراتر از سیاست‌گذاری است و ماهیت جزایی و کیفری دارد و منوط شدن تشخیص مصداق قاچاق به مصوبات این شورا صحیح نیست.

• ماده ۲۳ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور:

الف - هرگونه وضع مالیات یا عوارض برای صادرات کالاهای مجاز و غیریارانه‌ای و جلوگیری از صادرات هرگونه کالا به منظور تنظیم بازار داخلی ممنوع است و صدور کلیه کالاهای مجاز و خدمات به جز موارد زیر مجاز می‌باشد:

۱- اشیای عتیقه و میراث فرهنگی به تشخیص سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

۲- آن دسته از اقلام خاص دامی، نباتی، خاک زراعی و مرتعی و گونه‌هایی که جنبه حفظ ذخایر ژنتیکی و یا حفاظت تنوع زیستی داشته باشند، به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست

تبصره - فهرست کالاهای غیرمجاز و یارانه‌ای برای صادرات با پیشنهاد دستگاه ذی ربط و تصویب شورای اقتصاد تعیین و سه ماه پس از ابلاغ اجراء می‌شود.

ب - صادرات کالاهایی که دولت برای تأمین آنها یارانه مستقیم پرداخت می‌کند، تنها با پیشنهاد دستگاه مربوطه و تصویب شورای اقتصاد مجاز است. در این صورت کلیه صادرکنندگان موظفند گواهی مربوط به عودت کلیه یارانه‌های مستقیم پرداختی به کالاهای صادرشده را قبل از خروج، از وزارت امور اقتصادی و دارایی اخذ کنند. لازم به ذکر است اقتصاد پیش‌بینی‌پذیر یکی از اصول حکمرانی خوب است که به فعالان اقتصادی امکان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری صحیح می‌دهد. اتخاذ تصمیمات ناگهانی، از جمله ممنوعیت‌های صادراتی غیرضرور، علاوه بر ایجاد مشکلات داخلی، موجب بی‌اعتمادی در میان شرکای تجاری خارجی کشور نیز می‌شود. بنابراین در اعلام ممنوعیت



صادراتی کالاها باید صرفاً بر موارد ضروری و با رعایت فرآیندهای قانونی اکتفا کرد لذا ممنوعیت و محدودیت صادرات ایجاد موانع متعدد در مسیر رشد اقتصادی و اشتغال می باشد.

مثال و سابقه موضوع در کمیته حمایت از کسب و کار :

ممنوعیت‌های صادرات محصولات کشاورزی در سال ۱۴۰۳ با واکنش بخش خصوصی روبه‌رو شد و اتاق بازرگانی ایران خواستار پایبندی دولت به قوانین صادراتی شد و معاون حقوقی رئیس‌جمهور نیز با تأکید بر حقوق صادرکنندگان، خواهان اجرای دقیق مواد قانونی در تصمیم‌گیری‌ها شد.

این موضوع به دلیل اهمیتش در نود و چهارمین نشست کمیته حمایت از کسب‌وکار نیز مطرح شد و بر این اساس معاون حقوقی رئیس‌جمهور نیز در نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور به استناد بند الف ماده ۱۲۶ قانون امور گمرکی، بند الف ماده ۷۲ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه و ماده ۳ مصوبه یکصد و هفتمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا تصریح می‌کند که ممنوعیت صادرات به استفاده از ظرفیت ماده ۷۲ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه نباید به حقوق مکتسبه صادرکنندگان خللی وارد کند.

همچنین وضع عوارض صادراتی باید در چهارچوب دستورالعمل موضوع ماده ۳ مصوبه یکصد و هفتمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، اعمال شود.

به دنبال این اتفاق یعنی الزام اجرای مواد قانونی جاری بر اقتصاد کشور با هدف پایداری محیط کسب‌وکار در راستای استمرار صادرات و جلوگیری از اخلاف در تولید و تجارت، رعایت ابلاغیه ۸ اسفند ۱۴۰۳ دولت مبنی بر رعایت مواد ۲۴ و ۳۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، سبب تحقق ثبات و امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در تولید می‌گردد.

• بخشنامه‌های کارگروه بازگشت ارز حاصل از صادرات و بانک مرکزی:

بانک مرکزی در سال جاری همچون گذشته، به جای رویکرد تسهیل‌گری در امر تولید و صادرات، اعمال محدودیت‌های جدی در این حوزه را در دستور کار قرار داده و دو بخشنامه محدودکننده حوزه تولید و صادرات را علیرغم مخالفت‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران صادر نموده که به شدت، تجارت خارجی کشور را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. اولین بخشنامه از سوی بانک مرکزی صادر شده، با افزایش ۱۰ درصدی، آستانه رفع تعهد ارزی صادرات را از ۶۰ به ۷۰ درصد افزایش داده است که از مرداد ماه ۱۴۰۴ اجرا می‌گردد. بر اساس تجربیات سنواتی ثبت شده، مشکلات زیادی را برای صادرکنندگان ایجاد خواهد کرد؛ چراکه به دلیل شرایط تحریم‌ها و عدم اتصال نظام بانکی ایران به شبکه بانکی جهانی، عملاً انتقال ارز و ورود آن به کشور با سختی‌ها و هزینه‌های بسیار مواجه است که به نظر می‌رسد این بخشنامه، منجر به کندی صادرات و کاهش شدید آن خواهد شد.

دومین بخشنامه که از سوی شورای عالی بانک‌ها صادر شده است، ضوابطی را تعیین کرده که بر مبنای آن، ارائه خدمات بانکی به آن دسته از صادرکنندگانی که میزان ایفای تعهدات ارزی آنها، بین ۶۰ تا ۸۰ درصد است، با محرومیت‌های جدی بانکی مواجه شوند، به نحوی که عملاً ارائه تسهیلات جدید و خدمات بانکی به این دسته از واحدهای تولیدی-صادراتی محدود و در مواردی، ممنوع می‌گردد؛ فلذا پیش‌بینی می‌شود که مفاد این بخشنامه،



تولید و صادرات را تحت تاثیر منفی قرار دهد؛ از دیدگاه بخش خصوصی به نظر می‌رسد تغییرات اعمال شده از سوی بانک مرکزی، هیچ دلیل منطقی و کارشناسی را به دنبال نداشته و متأسفانه ضربات مخربی را به پیکره تولید و تجارت کشور وارد خواهد آورد. این اتفاق در صورتی است که مقام معظم رهبری، تسهیل شرایط برای تولیدکنندگان و توجه ویژه به این حوزه را وظیفه تمامی بخش‌های سیاستگذار، تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز دانسته‌اند.

• آیین نامه امتیاز صادراتی:

دولت با هدف حمایت از صادرات و تقویت انگیزه صادرکنندگان خرد و متوسط، در قالب قانون بودجه ۱۴۰۴، تصمیم به اجرای طرح جدیدی تحت عنوان امتیاز صادراتی گرفت. امتیاز صادراتی ارز، به معنای حقی است که صادرکنندگان در قبال صادرات کالا و خدمات خود به‌دست می‌آورند و می‌توانند آن را در بازار ارز معامله کنند. این امتیاز در واقع سهمی از ارز حاصل از صادرات است که به صادرکننده تعلق می‌گیرد و او می‌تواند آن را در سامانه معاملات بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران به فروش برساند یا برای مصارف دیگر خود استفاده کند. به عبارت دیگر، این امتیاز به صادرکنندگان این امکان را می‌دهد که بخشی از ارز حاصل از صادرات خود را به جای نگهداری، به سایر متقاضیان ارز بفروشند و از این طریق، منابع ارزی بیشتری برای تامین نیازهای وارداتی کشور فراهم شود. طرح امتیاز صادراتی که قرار است از طریق یک بازار معاملاتی ثانویه عملیاتی شود، تشخیص بنگاه‌های دارای شرایط استفاده از این ابزار، بر عهده وزارت صمت است و این وزارتخانه بر اساس سیاست‌های تجاری خود، بنگاه‌های واجد شرایط را به بانک مرکزی معرفی خواهد کرد. و این طرح امتیازات قابل خرید و فروش را در اختیار برخی صادرکنندگان قرار می‌دهد؛ این امتیاز، فروش ارز حاصل از صادرات با قیمت توافقی است.

از نظر بانک مرکزی این طرح مشکلات مربوط به بازگشت ارز و افزایش انگیزه بازگشت آن از سوی این دسته از صادرکنندگان کمک خواهد کرد. اما از نظر فعالان اقتصادی تعیین مشمولان و نحوه تخصیص امتیازها به دستگاه‌های اجرایی واگذار شده که همین موضوع نگرانی‌ها را درباره امکان بروز رفتارهای سلیقه‌ای، رانت ارزی و امضاهای طلایی افزایش داده است.

حوزه سیاست‌های ارزی:

قوه مجریه:

۱. دولت سیاست‌ها را برای تک‌نرخی کردن ارز و شناسایی قیمت ارز با بازارگردانی بانک مرکزی هدف گذاری نماید. لیکن تا زمان رسیدن به تک نرخی شدن نرخ ارز، بانک مرکزی بازار ارز را به صورت ذیل بازطراحی نماید:

• **بازار ارز ترجیحی:** اختصاص به اندازه‌ی ۱۳ میلیارد دلار برای تخصیص ارز کالاهای اساسی صرفاً برای نهاده‌های دامی و خوراک دام و طیور، دانه و کنجاله سویا، دانه‌های روغنی، روغن خام، دارو و تجهیزات پزشکی

الف) اختصاص کالاهای اساسی به صورت کالابرگ به همه‌ی مردم در صورت تداوم جنگ (در صورت عدم وجود شرایط جنگی نیز، مادامی که ارز ترجیحی به کالاهای اساسی اختصاص داده می‌شود، می‌توان عرضه‌ی کالاهای اساسی نهایی را از طریق کالابرگ به نحوی برای همه‌ی مردم فراهم کرد)

پیشنهاد دبیرخانه



ب) اختصاص ارز به کالاهای اساسی به هیچ وجه از ۱۳ میلیارد دلار بیشتر نخواهد بود و ارز مازاد بر این ۱۳ میلیارد دلار از طریق بازار ارز تجاری تأمین خواهد شد.

• **بازار ارز تجاری:** برای تأمین ارز کالاهای ضروری تا سقف ۲۰ میلیارد دلار - کالاهای وزارت جهاد به جز کالاهای اساسی که با ارز ترجیحی تأمین می‌شوند به همراه کالای دارای اولویت وزارت صمت (مواد اولیه و واسطه‌ای و ماشین آلات خط تولید) در این بازار تأمین خواهند شد.

الف) واردکنندگان گروه‌های کالایی این بازار، امکان تأمین ارز از بازار ارز اشخاص و واردات از این طریق را نیز دارا هستند.

ب) تأمین ارز این بازار از محل ارز صادرات نفت خام (به جز کالاهای اساسی) و صادرات پتروشیمی‌ها خواهد بود. صادرکنندگان پتروشیمی که ارز خود را در بازه زمانی تعیین شده به کشور بازگردانده و رفع تعهد ارزی کنند، می‌توانند ارز مازاد از نیاز بازار ارز تجاری را در بازار ارز اشخاص نیز عرضه کنند.

ج) نرخ بازار ارز تجاری هر روز به نحوی تعیین می‌شود که با لحاظ نوسان ۳ درصد در یک بازه زمانی در نرخ حداکثر ۱۰ تا ۱۵ درصد کمتر از نرخ ارز رسمی قرار گیرد

• **بازار ارز اشخاص:** سایر نیازهای وارداتی در حدود ۴۰ میلیارد دلار از طریق بازار ارز اشخاص تأمین می‌شود. الف) واگذاری کوتاژهای صادراتی این بازار و رفع تعهد ارزی آن‌ها از طرق واردات در برابر صادرات خود، واردات در برابر صادرات غیر و عرضه به بانک مرکزی قابل انجام است.

ب) عرضه‌ی ارز در بازار اشخاص هم از طریق تالار ثانویه طراحی شده در مرکز مبادله و هم از طریق مبادله‌ی مستقیم کوتاژ توسط صادرکننده و واردکننده خارج از پلتفرم‌های عرضه‌ی ارز امکان پذیر است. صادرکنندگان در انتخاب شیوه‌ی عرضه‌ی ارز خود و انتخاب بازار برای عرضه‌ی ارز مخیر خواهند بود.

ج) واردکنندگان کالاهایی که مکلف به تأمین ارز خود از بازار ارز اشخاص شده‌اند، امکان تأمین ارز از طریق بازار ارز تجاری را دارا نیستند.

د) بانک مرکزی اجازه دارد تا بخشی از ارز صادرکنندگان موضوع این بازار را با نرخ توافقی خریداری کند. صادرکنندگان در فروش ارز به بانک مرکزی یا عرضه در بازار اشخاص مخیر هستند.

• **بازار ارز مبادلاتی غیررسمی:** واردکنندگان می‌توانند کالاهای گروه چهار (کالاهای ممنوعه وارداتی به جز ممنوعه‌های شرعی) را با ثبت سفارش و بدون انتقال ارز به کشور وارد کنند.

الف) وزارت صمت مکلف است تا نرخ تعرفه کالاهای گروه چهار را به نحوی تعیین نماید تا ضمن کاهش انگیزه‌ی قاچاق، قیمت کالاهای وارداتی در داخل نیز در حد منطقی تعیین شود.

ب) با توجه به لزوم حذف رویه‌ی ته لنجی، ملوانی و کولبری، آزاد سازی واردات گروه چهار الزامی است. توجه: این پیشنهاد در صورت شرایط غیرجنگی اجرایی شده و در شرایط جنگی دارای ملاحظات اجرایی از جهت حفظ ذخایر ارزی است.



۲. شورای پول و اعتبار، کارگروه بازگشت ارز و بانک مرکزی کلیه مقررات مربوط به حوزه تجارت خارجی را با توجه به مقتضیات بازرینی نمایند از جمله مصوبه افزایش حد آستانه بازگشت ارز حاصل از صادرات (۷۰ درصد ابلاغیه شماره ۳۹۶۴۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۷) و مصوبه مربوط به محرومیت های بانکی و ارایه تسهیلات جدید و خدمات بانکی به صادرکنندگان را مورد بازرینی قرار دهند.

بانک مرکزی در این ارتباط و نظر به تعیین تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ به عنوان مهلت رفع تعهد ارزی صادرات سال ۱۴۰۳، برای آن دسته از صادرکنندگانی که از زمان صادرات آنان بیش از ۱۵ ماه سپری نشده است، با توجه به شرایط پیش آمده، این مهلت به مدت ۴ ماه (تا پایان بهمن ماه) تمدید نماید. **قوه قضائیه** نظر مساعد خود را برای تمدید مهلت ۴ ماهه که برای ایفای تعهدات ارزی آن دسته از صادرکنندگانی که مهلت قانونی بازگشت ارز حاصل از صادرات آنان تا پایان خرداد ماه تعیین گردیده بود، به بانک مرکزی اعلام نماید.

۳. امکان استفاده از روش واگذاری کوتاژ و ارز صادراتی به واردکنندگان فراهم گردد.

حوزه سیاست های تجاری:

۴. **سازمان برنامه و بودجه** با عنایت به حکم مقرر در ماده ۱۱۹ قانون برنامه هفتم، بسته الزامات رشد سالانه ۲۳ درصدی صادرات غیر نفتی را با همکاری سازمان توسعه تجارت و اتاق ایران تدوین نماید.

۵. **وزارت صنعت، معدن و تجارت** به منظور بهبود تراز تجاری غیر نفتی کشور و افزایش ماندگاری کالاهای صادراتی، حضور و ارتقاء زنجیره های ارزش جهانی و منطقه ای، افزایش تنوع کالاهای صادراتی، افزایش پیچیدگی کالاهای صادراتی با ارزش افزوده بالا و محتوای فناورانه و افزایش توانمندی های بخش خصوصی، نقشه راه توسعه صادرات کشور را با همکاری اتاق ایران تدوین کند.

۶. **وزارت صنعت، معدن و تجارت** و با همکاری جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و معاون علمی و فناوری و اقتصاد دانش بنیان رئیس جمهور لیست صادرکنندگان خرد موضوع بند ۲ ماده ۱۱ قانون برنامه هفتم توسعه را تهیه و برای تصویب به هیات وزیران ارسال نماید.

۷. **وزارت صنعت، معدن و تجارت** مقررات حوزه تجارت خارجی را با رعایت مواد ۲ و ۳، ۲۴ و ۳۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار با توجه به مقتضیات موجود مورد بازرینی قرار دهد از جمله اصلاح سقف های اعتباری کارت های بازرگانی و دستورالعمل اجرایی مربوط به نحوه اخذ ضمانت نامه به منظور شفاف سازی اعتباری کارت بازرگانی

۸. امکان روش رفع تعهد ارزی واردات در مقابل صادرات خود فراهم گردد.

۹. از آنجایی که یکی از دلایل فاصله گرفتن از تجارت جهانی عدم عضویت در پیمان ها و سازمان های جهانی و منطقه ای است و به انعقاد پیمان های منطقه ای نیز در برنامه هفتم توسعه تاکید شده است لذا **وزارت صمت**:

- با انعقاد موافقت نامه های منطقه ای تجارت را گسترش دهد و بر توافق با شرکای دارای تجارت بالا تمرکز نماید. (نسبت به انعقاد و تعمیق موافقت نامه های تجارت ترجیحی و آزاد با اولویت انعقاد موافقت نامه تجارت ترجیحی با هند،



اندونزی و تایلند در میان مدت و تجارت آزاد در بلندمدت (از جمله اوراسیا) و گسترش و اجرای موافقتنامه تجارت ترجیحی با کشورهای ترکیه، پاکستان و افغانستان اقدام کند.)
- موافقتنامه‌های قبلی را براساس شاخص‌هایی نظیر شدت تجاری، اکمل تجاری، پتانسیل صادراتی و مزیت نسبی صادراتی بازطراحی نماید.

- در حوزه‌های مربوط به خدمات و سرمایه گذاری مشترک و زیرساخت لجستیکی نیز توافقنامه منعقد نماید.
۱۰. وزارت امور خارجه و وزارت صمت رایزنان بازرگانی را برای ۲۰ شریک اصلی هدف صادراتی، از بین سه نفری که توسط اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران تعیین می‌شود، انتخاب نماید.

۱۱. دولت با تسهیل ترخیص گمرکی، کاهش هزینه‌های حمل و نقل و ایجاد مناطق لجستیکی مرزی، زیرساخت‌های لجستیک و حمل و نقل را ارتقاء دهد.

۱۲. سازمان امور مالیاتی برای مواردی که اطلاعات خرید و فروش آن داخل سامانه مودیان ثبت گردیده است، حداقل ۸۰ درصد از اعتبار ارزش افزوده شرکت‌ها به صورت علی‌الحساب به مودیان مسترد نماید و برای سایر موارد که خارج از سامانه می‌باشد پس از رسیدگی استرداد صورت پذیرد.

۱۳. از آنجایی که مقابله با پدیده قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از چالش‌های جدید اقتصاد کشور، نیازمند رویکردی جامع و متناسب و مبتنی بر واقعیت‌های تجاری و اقتصادی است لذا پیشنهاد اتاق بازرگانی، بازرگری اساسی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ارتباط با کلیه حوزه‌ها می باشد. براین اساس **دولت با همکاری قوه قضائیه** لایحه مربوط به اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را با مشارکت بخش خصوصی تدوین و به مجلس شورای اسلامی جهت اصلاح به قید فوریت ارائه نماید.

قوه قضائیه:

۱۴. قوه قضائیه طی بخشنامه‌ای تاکید نماید که در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تفسیرها به نفع فعالان بخش خصوصی صورت گیرد و رویکرد کیفری و امنیتی به سمت رویکردهای اقتصادی و پیشگیرانه تغییر یابد.

۱۵. در اجرای ماده ۲۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مجتمع های قضایی و تجاری تشکیل و آیین دادرسی تجاری با حضور نمایندگان اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌های اقتصادی تدوین گردد.

۱۶. قوه قضائیه با اتاق بازرگانی ایران جهت برنامه های آموزش قضات در حوزه تجارت بین الملل همکاری نماید.

قوه مقننه:

۱۷. مجلس شورای اسلامی بسترهای قانونی را برای تخصیص ۱۰ درصد درآمد حاصل از عوارض و حقوق گمرکی به عنوان پوشش ریسک صادرکنندگان و حمایت از نمایشگاه‌های خارجی و هیئت‌های تجاری خارجی فراهم نماید.



۱۸. در صورت عدم ارائه لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز از سوی دولت، مجلس شورای اسلامی طرحی در ارتباط با اصلاح این قانون علی الخصوص اصلاح تبصره ۶ بند ح ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تدوین نماید.